

## در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و برای تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب

# تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی ضرورت حیاتی دارد

قبل از آنکه بحث درباره طرح قانونی تشکیل جمعیتها و احزاب را آغاز کنیم، تذکر چند نکته را ضرور میدانیم: نخست آنکه پیدایش احزاب و سازمانهای سیاسی يك روند عینی در جریان رشد جامعه است، كه آنرا با تمایلات و خواستهای ذهنی - بهر صورتی بیان و یا تدوین كردند نمیتوان متوقف كرد. اگر میتوان مثلا انقلابات را، كه يك روند عینی است، متوقف كرد، میتوان از پیدایش احزاب و سازمانهای سیاسی نیز جلوگیری كرد. در يك جامعه طبقاتی، احزاب و سازمانهای سیاسی، مولود خواستهای طبقاتی گروهها و اقشار و طبقات اجتماعی هستند كه این سازمانهای سیاسی را برای پیشبرد اهداف خود بوجود می آورند. اهداف طبقاتی و اقشار و گروهها نیز بر حسب مواضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنان در جامعه شكل میگیرد. پیدایش احزاب در جامعه، تا وقتی كه در آن طبقات، اقشار و گروههای اجتماعی وجود دارند، ناگزیر است. طبقات محروم، بخصوص به سازمانهای سیاسی یقه در صفحه ۲



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۶۱  
شبه ۱۶ اسفند ۱۳۵۹ مطابق با  
۲۹ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۰ ریال

## امام خمینی: زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران روز پنجشنبه ۱۴ اسفند ۵۹، در حضور گروهی از روحانیون كه از مجامعهای جنگ بودند، عدای از سربازان منتفی خدمت سالهای ۵۰، ۵۱، ۵۲ و ۵۳ و ۵۷ نیز مسئولین تداركات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سراسر كشور، سخنان مهمی ایراد كردند.  
امام خمینی در سخنان خود به شركت موثری روحانیون در امور سیاسی، اجتماعی و جنگی اشاره كردند و درباره توطئه های كه برای جدا كردن روحانیت مبارز از سیاست در جریان بودم هست، هشدار دادند.

احقاق حق مظلوم را از ظالم می کنند و اگر دیکتاتوری معنی اش اینست كه در دادگاه اتمال صیبری ها را از بین ببرند، این چیزی است كه اسلام كرده است و امری است كه با امر اسلام انجام می گیرد و اگر دیکتاتوری معنی اش اینست كه تحصیل به ملت چیزی را می خواهند بكنند، می خواهند یا قدرت ملت را ازار بدهند و مقاصد خودشان را انجام بدهند، این يك دروغ واضح است كه باید مردم از اشخاصی كه اینها را می گویند، بگیرند آنها را، و از شان ببرند كه این كدام يك است؟ چه كرده است؟ چه كار دیکتاتوری انجام داده است؟ تا بفهمند ریشه این مطلب از كجاست. امام خمینی افزودند: «آرایش مجلس ما يك دیکتاتور است و دارد دیکتاتوری می كند، یا مقامهای دیگری كه در كشور ما هستند، كداميك از آنها مشغول دیکتاتوری هستند؟ یا زبانهای غیر متعهد اشخاص دارند دیکتاتوری می کنند و می خواهند روحانیت را تضعیف کنند و جمهوری اسلامی را تضعیف کنند.»

## « لایحه قصاص » و صله ناجور بر پیکر جامعه انقلابی ما

اخیرا دولت «لایحه قصاص» را برای بررسی به مجلس تقدم کرده است. بر آنكه قصد تحلیل و بررسی يك يك موادم این لایحه «مادهای را داشته بشی، كه كاری است بر نمر، یادآور میشود كه لایحه مشتمل بر دویشت «قصاص نفس» و «قصاص عضو» است، كه در مورد اول به «هول دم» حق داده میشود كه با اجازه «هول مسلمان»، شخصا یا با تعیین وكيل، قاتل را به قتل برساند و در مورد دوم مصدوم، با اجازه حاكم شرع، حق دارد همان جرح و یا نقص عضو را در جسم ضارب ایجاد كند.  
«لایحه قصاص» صرف نظر از آنكه زن را «نیمچه انسان» به حساب آورده و ارزش زندگی و شهادت بودن او را نصف ارزش زندگی و شهادت بودن مرد دانسته، و این خود برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی است، كه بر رفع تبعیض و برابری کلیه افراد ملت در مقابل قانون تأکید دارد؛ صرف نظر از آنكه حقوق مرد و غیره...

## لئونید برژنف: آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، كوشش در راه تحكیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ

لئونید برژنف، نخستین وزیر دفاع شوروی در است و ششم حزب كمونیست اتحاد شوروی در است و سوم فوریه سال ۱۹۸۱ (۴ اسفند ۵۹) در مسكو گفتارهای یافت.  
گوتید برژنف دیركل كیفه مرکزی حزب، در این كنگره گزارشی را زیر عنوان «گزارش كیفه مرکزی حزب كمونیست اتحاد شوروی به است و ششمین كنگره حزب كمونیست اتحاد شوروی و وظایف آینده حزب در زمینه سیاست داخلی و خارجی» ایراد كرد. از نظر اهمیت، خلاصه این گزارشی را به نظر خوانندگان نامه «مردم» می رسانیم:  
گوتید برژنف در بخشی از سخنان خود به مسائل بین المللی اشاره كرد و گفت: «آنچه میتواند راهگشای جامعه بشری بسوی فردا باشد، كوشش در راه تحكیم صلح است و نه تلاش برای تهیه مقدمات جنگ، كه موجب اتلاف ثمرتهای مادی و معنوی ملتها میگردد. تحكیم برژنف برای رفع خطر بروز جنگ و تحكیم امنیت بین المللی يك سلسله پیشنهادها را تازه مطرح كرد. گوتید برژنف گفت: «اتحاد شوروی قیلا به پیشنهاد كرده بود كه دایره اقداماتی كه هدف از آن تقویت روح اعتماد بین طرفین در زمینه مسائل نظامی، نظیر مطلع كردن طرف از مانورهای زمینی، دریایی و هوایی و همچنین نقل و انتقالات نیروهای نظامی است، گسترش یابد و اکنون ما پیشنهاد میکنیم كه این اقدامات باز هم وسیعتر گردد. ما حاضریم تمام پیش از این اتحاد شوروی را مشمول این اقدامات قرار دهیم، بشرطیكه كشورهای غیر متعهد منطقه مربوط، به خود را بصورت متقابل گسترش ندهند.»  
گوتید برژنف افزود: «اتحاد شوروی آماده است درباره اقداماتی كه بتواند به تقویت روح اعتماد در خاور دور كلك كند، با کلیه كشورهای ذینفع وارد مذاكره شود. اتحاد شوروی آماده است در مورد جواب بین المللی مسئله افغانستان، چه به صورت يك مسئله مجزا و جداگانه و چه در ارتباط با مسائل امنیت خلیج فارس، وارد مذاكره شود. دیدی است كه این مذاكرات تنها میتواند یقه در صفحه ۲

## پیام شاد باش كمیته مرکزی حزب توده ایران به كمیته مرکزی «حزب كار سوتیس»

بنسبیت شصتمین سالگرد پایه گذاری «حزب كمونیست سوتیس» ۱۵ اسفند ۱۳۹۹ (از سال ۱۳۲۲: «حزب كار سوتیس») كیفه مرکزی حزب كار سوتیس رفتی گرامی!  
سببانه ترین شادباشهای حزب توده ایران را بنسبیت شصتمین سالگرد پایه گذاری «حزب كمونیست سوتیس» بپذیرید.  
فرست را غنیمت می شمیریم و، ضمن تجدید هبستگی خود با كمونیتهای سوتیس و مبارزان فخر آفرین شصتساله آنها، گامیهای بیشتر حزب كار سوتیس را در مبارزات مشترك علیه امپریالیسم، سركردگی امپریالیسم آمریکا، و ارتجاع و در راه صلح، دمكراسی و پیشرفت اجتماعی خواستاریم.  
با درودهای رفیقانه  
كمیته مرکزی حزب توده ایران  
دیر اول: نورالدین گیاتوری

## دشمن واقعی، آمریکای جنایتكار است

مراسم نماز جمعه این هفته نیز با حضور گروه انبوهی از نمازگزاران در دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم محسن رضائی عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران انقلاب در سخنانش بیش از خنده های نماز، سخن اشاره به توطئه ها و دسائسهای امپریالیسم آمریکا برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، تأکید كرد «مردم مسئله ما مسئله آمریکاست» و «شماره شمار مرگ بر آمریکاست، محسن رضائی در آغاز گفت: «آمریکا و مسیونیسم بین المللی چه مطامع و چه منافع بزرگی در ایران دنبال می كند و قصد داشتند ایران را بعنوان پایگاهی كه كشورهای خلیج و یکی از مهمترین عناصر دفاعی و نظامی آمریکا در كمر بند نظامی كه بدور شوروی چیده بود، از ایران استفاده كند. وی با اشاره به توطئه آمریکا برای زوی كار آوردن يك دولت میانه رو» قبل از پیروزی انقلاب گفت: «(بختیار) آغازی بود برای اینکه (آمریکا) يك دولت میانه روی را بر سر كار بر سرده است: نتیجه ۹ تاك، ۴ خودرو، ۴ اتیار مهمات يك قیفه تفنگ نیمه سنگین ۱۰۶ میلیتری با جیب حامل آن و بیش از هشتاد گنجینه اجتماعی و دیدماتی و چند منقله تجمع دشمن متعهد و عمده ای

## گفتگوهای سو كوردگان ضد انقلابیون افغانی در واشنگتن

«واگذاری موشكهای زمین به هوا به «مبارزان» افغانی از راه پاکستان»  
خبرگزاری فرانسه از لندن گزارش میدهد كه دولت «ریگان» «آرام آرام» واگذاری سلاح را به ضدانقلابیون افغانی «بشكافد»  
بریتانیا در «پارلمان اروپا» به مساجیدی با ساتنی «تایمز» در این امر اشراف كرده است.  
لرد بتول، كه پس از سفری کوتاه به ایالات متحده آمریکا، به بریتانیا بازگشته است، از دیدار سرگردگان ضدانقلابیون افغانی با مقامات رسمی واشنگتن و كنگره های آنها بیامون و واگذاری یقه در صفحه ۲

## در عملیات نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران علیه متجاوزان، خسارات سنگینی به نیروی دریایی عراق و سكوهای نفتی البكر والامیه وارد شد

بناورده شاه، شاهي خودش را بكند و اما قدرت اداره كشور را بدست يك دولت وجهالماله بدهد، تا بلكه بتواند برای سالیان سال منافع خودش را در ایران كه آنجان برای او منافع بزرگی داشت حفظ كند.  
رضائی سپس با اشاره به دولت موقت گفت: «وقتی دولت موقت یقه در صفحه ۲

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

### در چارچوب قانون اساسی...

تجزیه بصورت يك روند عینی جامعه، باید پایه علمی هرگونه بررسی در قانون تشکیل احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد. زیرا هر قانونی، اگر بر این پایه عینی و علمی متکی نباشد، دیر یا زود به کفگیر برآرزوی تبدیل میشود.

لایحه قانونی شورای عالی قضائی که به نام «قانون تشکیل احزاب، انجمنها، احزاب و تفرقهها» در پنج ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است با مسئله تحزب برخورد درستی نداشته است. در این لایحه گفته میشود که تشکیل حزب «بی آنکه تیزی به تحصیل پروانه رسمی داشته باشد آزاد است و اگر نخواهد رسماً شخصیت حقوقی داشته باشد باید به ثبت برسد» و اگر از حزب مشروعیت شروع دیگران وحدت ملی، موافقت اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشور باشد مرتبه و مصلحت و طبق مقررات قضیب و مجازات مشوده و در صورت «تکرار تخلفات فوقه دادگاه آرا» غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکنند.

لایحه قانونی فوقه ساده روشن، بدون ابهام و بدون نقض هیچیک از اصول قانون اساسی ایران تنظیم شده است.

تلاش برای جلوگیری از فعالیت آزاد احزاب سیاسی، حتی از طریق قانون مخالف با اصلیم قانون اساسی است که در آن گفته میشود هیچ دلیلی هیچ مقامی، حق ندارد «آزادیهای مشروع را هر قدر با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

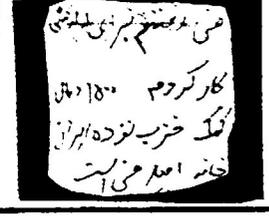
کجاندن این جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قانونگذاران مجلس خبرگان با در نظر گرفتن تمام تجریبات نوم دوران گذشته شایسته است که قانون اساسی دانتیم و با «قانون» و یا صرفاً دستور شاه، آزادیهای مشروع را که حق تشکیل تمام افراد احزاب سیاسی یکی از بهترین آنهاست بسادگی از مردم سلب میکنند. صورت گرفته است. حالا اگر دکسیوس «مقرراتی» «قانونی» بخواهد این حق مشروع را، که در اصل ۲۶ قانون اساسی و اصل نهم صراحت ذکر شده است، زیر پا بگذارد، مخالفت با اساسی جمهوری اسلامی و شیوه حکومت اسلامیه است که در مقدمه قانون اساسی آورده شده و در آن گفته میشود: «قانون اساسی تصنیف گر نفس هر گوی» استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی میباشد.

سلب است که تحدید آزادیهای مشروع، بهر شکل و صورتی انجام گیرد، جز در جهت تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» گروهی بر گروه دیگر، طبقه ای بر طبقه دیگر، نمیتواند باشد.

در لایحه «قانون احزاب» که اکنون در مجلس مورد مذاکره قرار گرفته است، بر طبق ماده ۱۰ روشن و بدون ابهام شورای عالی قضائی، یکسلسله تشریفات و مقررات زائد و محدود کننده، که میتواند مورد سوء استفاده برای تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» قرار گیرد و حق داشتن تفکر سیاسی و فعالیت آزاد سیاسی را

### کمیته عالی به حزب خودناظران تک و چندگانه اختیالی است!

احمدزاد نودوسی  
(در شماره ۴۳۰ نشانیها صد هزار ریال درج شده بود)  
ماهگیری از بند انزلی  
امیر - منصور از دست  
۱۰۰۰۰ ریال  
رفیق ه از سازی می نویسد:  
من در قم برای لوله کشی کار کردم ۱۵۰۰۰ ریال کلمه حزب توده ایران خانه امید من است



از مردم سلب کند. آورده شده است. در این لایحه سرونش سازمانهای سیاسی یک کیسیون هفت نفری سیره میشود و آنان هستند که باید «درخواست» رسیدگی کنند و حق را که قانون اساسی صورت نامبرای تمام مردم قائل شده است، آنان بصورت خاص به آنان بدهند و یا اصولاً ندهند. در لایحه نامبرده مواد دیگری از این قبیله که یک قوه مجریه مترش می تواند برای تحصیل «استبداد فکری و اجتماعی» بر مردم سلب حق مشروع از آنان، از آن سوسامانده کند باز هم وجود دارد.

مسئله «قانون احزاب» تنها یک مسئله قانونی هم نیست. این مسئله میتواند صورت بزرگترین مسئله سیاسی جمهوری اسلامی ایران در آید. اگر مقصود از گذراندن «قانون احزاب» تحقق اصول قانون اساسی است که لایحه شورای عالی قضائی وجود داشته، و اگر مقصود چیز دیگری است آیا ما در این شرایط، که از هر طرف در معرض هجوم دشمنان انقلاب هستیم، ملاحظه است که خودمان بدمت خودمان «قانونی» وضع کنیم که بر تشنه های داخلی کشور بیفزاید و دلیلی بدمت دشمنان داخلی و خارجی ما بدهد که، سنگ خودشان بکوبند.

ما امیدواریم و انتظار داریم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی با درک عمیق مسئولیت خود در این مسئله حساس و حیاتی، هنگام شور دوم درباره طرح قانونی «تشکیل احزاب و جمعیتها» اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره تأمین و تضمین بر خنده آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، راهنمای خود قرار دهند و هرگونه محدودیتی را در این زمینه از بین ببرند و آنچه بهتر که لایحه شورای عالی قضائی را در این زمینه تصویب برسانند.

ما در مورد ضرورت حیاتی تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحکیم و گسترش انقلاب، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی هشدار می دهیم.

### آنچه می تواند راهگشای...

جوانب بین المللی این مسئله را دربر گیرد و نه امور داخلی افغانستان را.

گویند بر ژرفه سپس به بحث درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیک و کاهش انواع آن پرداخت و گفت:

داین مسئله حتی اهمیت فوق العاده است و ما حصریم مذاکرات در این زمینه را با حفظ تمامی دستاوردهای مثبتی که تاکنون بدمت آمده است. بیدرتک با ایالات متحده آمریکا از سر بگیریم بدینوسیله است که این مذاکرات قطع نمیتواند بر اساس برابری و امنیت متقابل انجام گیرد و اتحاد شوروی هرگز به ایالات متحده آمریکا مزایای یک جانبه نخواهد داد و هیچکس نباید در این باره دچار توهمان میفیم.

ما حصریم درباره محدود کردن انواع مختلف سلاحها و مذاکره شویم. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که ایالات متحده از ساختن سیستم موشکی دریایی فرایندت دست بردارد و ما نیز از ایجاد سیستم مشابه آن در کشور خودمان سرفظر کنیم. امریکائیا پیشنهاد ما را نپذیرفتند و زیر دریایی جدیدی بنام «ارهاپو» مجهز به موشکهای فرایندت ساختند ما نیز مجبور شدیم سیستم مشابهی بنام «تایغون» بسازیم. ما حصریم درباره محدود کردن تولید زیر دریایی «ارهاپو» و «تایغون» در کشور و همچنین درباره انصراف از مدرنیزه کردن موشکهای بالستیک موجود و تولید انواع جدید آن که قابلیت در زیر دریایی نامبرده هسته وارد مذاکره شویم.

ما پیشنهاد میکنیم که طرفین از ام اکنون از استقرار سلاحهای میانبرد جدید موشکی و هسته ای در اروپا سرفظر کنند یعنی سطح موجود این نوع سلاحها، از جمله سلاحهای هسته ای متقدم آمریکا در این منطقه، از حیث کمی و کیفی بهین حال باقی بماند.

ما پیشنهاد میکنیم که یک کمیته ذیصلاح بین المللی از دانشمندان بزرگ کشورهای مختلف جهان تشکیل گردد و ضرورت حیاتی جلوگیری از فاجعه اتمی را بررسی کند.

ما پیشنهاد میکنیم که برای جستجوی راه حل سالم سازی اوضاع بین المللی و جلوگیری از بروز جنگ، اجلاس ویژه شورای امنیتیا شرکت سران کشورهای عضو شورا تشکیل گردد. رهبران سایر کشورها نیز، در صورت تمایل، میتوانند در این اجلاس شرکت کنند.

گویند بر ژرفه افزود: داین پیشنهادهای غزه اتحاد شوروی برای ادامه و بسط برنامه صلح ماست که حادثین و میرترین مسائل بین المللی کنونی را دربر میگیرد.

گویند بر ژرفه در گزارش خود یاد آور شد که: «وظیفه ما که کنگره قبلی برای حزب تعیین کرده بود، بطور کلی با موفقیت انجام گرفته است».

گویند بر ژرفه سپس اظهار داشت که: «داین وظایف در شرایط مبارزه بین دوست مختلف، سیاست جهانی: سمت مهار کردن سایه تسلیحاتی، تحکیم صلح و تشجیزات و دفاع از حق حاکمیت و آزادی ملتها از یگانه و سمت تشنه قرائی و نامزدن پسانه تسلیحاتی و سیاست همدید و مداخله در امور داخلی سایر کشورها و سرکوب مبارزات آزادی بخش از سوی دیگر، انجام گرفته است.

در سالهای بین دو کنگره، مبارزه انقلابی ملتها و نیروهای تازه ای بدمت آورده است. گواه این مدعا انقلابهای اتیوپی، افغانستان، نیکاراگوا و سرنگونی رژیم فئودالی سلطنتی در ایران است. در دهه سالهای ۲۰ علا عمی امپراتوریهای استعماری پایان پذیرفت».

گویند بر ژرفه سپس به بحث درباره مسائل مربوط به همکاری کشورهای سوسیالیستی پرداخت و گفت:

حزب ما، کمیته مرکزی و دقرسیاسی آن، در تمام این سالها حداکثر کوشش را در راه تقویت دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی بکار بسته اند.

گویند بر ژرفه افزود: دما همه با هم سرگرم ایجاد دنیای تازه سوسیالیسم و برقراری روابط تازه علاقه، برادرانه و برابر بین کشورهایمان هستیم. روابطی که در تاریخ بی سابقه است. روابط اتحاد شوروی با کشورهای عضو جامعه سوسیالیستی، یعنی بلغارستان، مجارستان، ویتنام، جمهوری دمکراتیک آلمان، کوبا، لاتویا، مولدوستان، لیتوان، رومانی، چکسلواکی بر این پایه بنا شده است. ما در زمینه کلیه مسائل عمده یسرفت اجتماعی و اقتصادی و سیاست بین المللی وحدت نظر امونی و استوار داریم. ما این وحدت نظر را، که ثمره

همکاریهای مداوم احزاب کمونیست برادر است. دستاوردهای بزرگ مشترکمان میباشد.

با آنکه سالیهای اخیر را نمیتوان برای برخی از کشورهای سوسیالیستی به لحاظ اقتصادی، سالیهای پرش نامیده ولسی با این وجود، آنگاه رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی ظرف ده سال اخیر در برابر آنگاه رشد اقتصادی کشورهای سرمایه داری بوده و کشورهای عضو شورا همچنان در جرگه کشورهای جهان که با سرعت زیاد ترقی میکنند، باقی مانده اند.

گویند بر ژرفه گفت: دما مستللی را که در جریان همکاری کشورهایمان پیش می آید مشترک حل میکنیم و میکوشیم تا بهترین راه حل برای تلفیق هر چه بیشتر منابع هر یک از کشورهایمان با منابع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی بپیمیم. برای مثال میتوان قیمت کفایت نفت و گاز و سایر مواد خام و کالاهای صنعتی راه که بین کشورهای عضو شورای همکاری با کشورهایمان بپیمیم. موارد خاصی پیش می آید که باید به کشورها برای برابری کفایت انرژی داشته چنانکه در مورد ویتنام در سال ۱۹۶۹ - هنگامیکه در مرض تجاوز و حمله یکن قرار گرفت پیش آمد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بیدرتک مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی و سایرین که به ویتنام فرستادند همچنین به کمپوزیته که داروسته پولیوتیه سوسریدگان یکن، آترا به ویتنام تبدیل کرده بودند کمک فوری دادند.

گویند بر ژرفه افزود: داینست مسئله مشترک ناسیونالیسم سوسیالیستی، و مراد ما آترا به خودی درک و تأیید میکنند.

گویند بر ژرفه گفت: کشورهای سوسیالیستی با بسط و توسعه روابط بازرگانی با غرب موافقت و آترا یکی از عوامل ثبات وضع بین المللی می دانند. لیکن در این مسئله نمیتوان سیاست کشورها را سرمایه داری را نادیده گرفت. آترا غالباً تلاش میکنند که روابط اقتصادی را به احرام فشار سیاسی بر ما مبدل کنند. انواع و اقسام تحریمها و محدودیتهای تولید با تمسک در زمینه های گوناگون این یا آن کشورهای سوسیالیستی گویا این طلبیست.

گویند بر ژرفه سپس به واقع لیستان اشاره کرد و گفت: «دماجا که بر اشتیاقات و خطیهای سیاست داخلی توشه و تحریکهای امپریالیسم آورده میشود زمینه برای گسترش فعالیت عناصر مخالف با سوسیالیسم فراهم میگردد. در لیستان چنین شد و میلی دولت سوسیالیستی در مرض خطر قرار گرفت».

گویند بر ژرفه افزود: دکونیتهای لیستان طبقه کارگر لیستان، زحمتکش این کشور می تواند به دوستان و متحدان خود امینان کامل داشته باشند. ما کشور برادرمان، کوروسوسیالیستی لیستان را هرگز در مصیبت تنها نمیگذاریم.

گویند بر ژرفه گفت: در کنگره قبلی گفته شد که کشورهای سوسیالیستی پیوسته یکدیگر نزدیکتر میشوند. این روند همچنان در حال رشد و تکامل است. لیکن باید دانست که روندهای عمده و بنیادی معروضات ملی و ویژگیهای تاریخی کشورهای سوسیالیستی نیست و تنوع اشکال حیات اجتماعی این کشورها و سازماندهی اقتصادی آنها موجب غنای راهها و شیوههای برقراری نظم سوسیالیستی میگردد».

گویند بر ژرفه سپس به بحث درباره روابط اتحاد شوروی و چین پرداخت و اظهار داشت: «دماستفانها هنوز نمیتوان گفت که درسیاست خارجی یکن تغییرات عمیقی در جهت بهبود این سیاست روی داده است. سیاست خارجی چین همچنان در جهت تشنه قرائی و پهلو به پهلو با سیاست امپریالیسم پیش میبرد. هدف ایالات متحده آمریکا و ژاپن و برخی از کشورهای عضو ناتو از گسترش روابط نظامی و سیاسی خود با چین، بهره گیری از سیاست خصمانه چین نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، بسود مقاصد امپریالیستی خودشان است. علت سردی در روابط چین و اتحاد شوروی موضوع ما نیست. اتحاد شوروی درصدد بازگشتن یا جمهوری توده ای چین نیوده نیست، ما به پیروی از تصمیمات کنگره های بیست و چهارم و بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی مایلیم که روابط خود را با جمهوری توده ای چین، بر اساس حسن همجواری، بنا کنیم. پیشنهاد های ما در مورد عادی کردن روابط بین دو کشور همچنان بقوت خود باقیست و در احساسات دوستی و احترام ما نسبت به خلق چین نیز کوچکترین خللی وارد نشده است».

ادامه خلق گویند بر ژرفه را در شماره فردا میخوانید.

### در چارچوب قانون اساسی...

بقیه از صفحه ۱

تجزیه، بصورت يك روند عینی جامعه، باید پایه علمی هرگونه بررسی در قانون تشکیل احزاب و گروههای سیاسی قرار گیرد، زیرا هر قانونی، اگر بر این پایه عینی و علمی منکی نباشد، دیر یا زود به کالبدپاره می‌آوردن تبدیل میشود.

لایحه قانونی شورای عالی قضائی، که به نام «قانون تشکیل جمعیتها، انجمنها، احزاب و تفرقه» است، در پنج ماده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شده است. با مسئله تجزیه برخورد درستی داشته است. در این لایحه گفته میشود که تشکیل حزب «بی آنکه لایحه به تصویب برآید» رسمی داشته باشد آزاد است و «اگر نخواهد رسماً شخصیت حقوقی داشته باشد باید به ثبت برسد و اگر از حزب مشروع گزینی که ناقص است، استقلال، آزادی، مشروعیت، دیگرا، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساسی جمهوری اسلامی و مصالح کشور باشد سرزند و معاکه و طبق مقررات قضایی و مجازات میشود و در صورت «تکرار تخلفات فوق، دادگاه آرا غیرقانونی اعلام و از فعالیت آن جلوگیری میکند».

لایحه قانونی فوق، ساده، روشن، بدون ابهام و بدون نقض هیچیک از اصول قانون اساسی ایران تنظیم شده است.

تلاش برای جلوگیری از فعالیت آزاد احزاب سیاسی، حتی از طریق قانون، مخالف با اصلنامه قانون اساسی است که در آن گفته میشود هیچ دلیلی هیچ مقامی، حق ندارد «آزادی سیاسی مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات سلب کند».

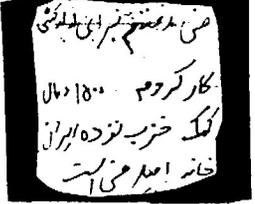
گنجاندن این جمله در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از سوی قانونگذاران مجلس خبرگان، با دقت گرفتن تمام تجربیات شوم دوران گذشته شاهنشاهی، که قانون اساسی داشتیم و با «قانون» و یا صرفاً دستور شاه، آزادیهای مشروع را که حق تشکیل تمام افراد در احزاب سیاسی، یکی از مهمترین آنهاست، سادگی از مردسلب میکردند، صورت گرفته است. حالا اگر «کمیسونی» «مقرراتی»، «قانونی» بخواهد این حق مشروع را، که در اصل ۲۶ قانون اساسی و اصل نهم صراحت ذکر شده است، زیر پا بگذارد، مخالفت با اساس جمهوری اسلامی و وحشیانه خودشان بکوبند؟

حکومت اسلام، است که در مقدمه قانون اساسی آورده شده و در آن گفته میشود: «قانون اساسی تصمین گزیننده و تنظیم کننده امور سیاسی و اجتماعی و انتظام اقتصادی میباشد».

مسئله است که تعدید آزادیهای مشروع، به شکل و صورتی انجام گیرد، جز در جهت تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» گروهی بر گروه دیگر، طبقه‌ای بر طبقه دیگر، نمی‌تواند باشد. در «لایحه قانون احزاب» که اکنون در مجلس مورد مذاکره قرار گرفته است، بر طرح ساده، روشن و بدون ابهام شورای عالی قضائی، یک سلسله تشریفات و مقررات زائد و محدودکننده، که میتواند مورد سوء استفاده برای تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» قرار گیرد و خودباختن تفکر سیاسی و فعالیت آزاد سیاسی را

### کسب مالی نه حزب سوده‌آوران تک‌وسطه انقلابی است!

احمدزاد روسی ۵۰۰۰ ریال (در شماره ۴۳۰ لشتیها صد هزار ریال درج شده بود) ماهگیری از بندر انزلی امیر - منصور از رشت ۱۰۰۰ ریال زقیق ۵ از ساری منویند: من رستم برای لوله کشی کنار کردم ۱۵۰۰ ریال کسک. حزب توده ایران خانه امید من است



از مردم سلب کند، افزوده نشده است. در این لایحه سرنوشت سازمانهای سیاسی یک کمیسیون هفت نفری سپرده میشود و آنان هستند که باید «در دوخواست متقاضیان» رسیدگی کنند و حتی را که «قانون اساسی صورت عالی تمام مردم قابل شمس است» آنان بصورت خاصی به آسان بدهند و یا اصولاً ندهند! در لایحه نامبرده مواد دیگری از این قبیل، که یک قوه مجریه مرفعی می‌تواند برای تحمیل «استبداد فکری و اجتماعی» بر مردم سلب حق مشروع از آنان، از آن سوءاستفاده کند، باز هم وجود دارد.

**مسئله «قانون احزاب» تنها یک مسئله قانونی هم نیست. این مسئله می‌تواند بصورت بزرگترین مسئله سیاسی جمهوری اسلامی ایران درآید. اگر مقصود از گذراندن «قانون احزاب» تحت اصول قانون اساسی است، که لایحه شورای عالی قضائی وجود داشته و اگر مقصود چیز دیگری است، آیا ما در این شرایط، که از هر طرف در معرض هجوم دشمنان انقلاب هستیم، عاقلانه است که خودمان بدست خودمان «قانونی» وضع کنیم که بر تشنه‌های داخلی کشور، بیفزاید و دلیلی بدست دشمنان داخلی و خارجی ما بدهد که، سنگ «آزادی» را محکمتر بسینه خودشان بکوبند؟**

ما امیدواریم و انتظار داریم که نمایندگان مجلس شورای اسلامی، یا درک عمیق مسئولیت خود در این مسئله حساس حیاتی، هنگام شور دوم درباره طرح قانونی «تشکیل احزاب و جمعیتها» اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را درباره تأمین و تضمین بی‌غشته آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی، ارضای خود قرار دهند و هرگونه محدودیتی را در این زمینه از بین ببرند و چه بهتر که لایحه شورای عالی قضائی را در این زمینه به تصویب برسانند. ما در مورد ضرورت حیاتی تأمین و تضمین آزادی فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، برای تحکیم و گسترش انقلاب، به نمایندگان مجلس شورای اسلامی، هشدار می‌دهیم.

### آنچه می‌تواند راهگشای...

جوانب بین‌المللی این مسئله را در بر گیرد و نه امور داخلی افغانستان را.

توانید برزقه سپس به بحث درباره محدود کردن تسلیحات استراتژیک و کاهش انواع آن پرداخت و گفت:

فاین مسئله حائز اهمیت فوق‌العاده است و ما حاضریم مذاکرات در این زمینه را با حفظ تمامی دستاوردهای مثبتی که تاکنون بدست آمده است، بپذیریم. با ایالات متحده آمریکا از سر بگیریم، بدیهی است که این مذاکرات فقط میتواند بر اساس برابری و امنیت متقابل انجام گیرد و اتحاد شوروی هرگز به ایالات متحده آمریکا مزایای یک جانبه نخواهد داد و هیچکس نباید در این باره دچار توهمان بی‌پایه باشد.

ما حاضریم درباره محدود کردن انواع مختلف سلاحها وارد مذاکره شویم. ما قبلاً پیشنهاد کرده بودیم که ایالات متحده از ساختن سیستم موشکی دریائی «فرایند» صحت بردار و ما نیز از ایجاد سیستم مشابه آن در کشور خودمان صرف نظر کنیم. امریکاییها پیشنهاد ما را نپذیرفتند و زیر دریائی جدیدی بنام «داره‌یو» مجهز به موشکهای «فرایند» ساختند و ما نیز مجبور شدیم سیستم مشابهی بنام «تایفون» بسازیم. ما حاضریم درباره محدود کردن تولید زیردریائیها «داره‌یو» و «تایفون» در کشور و همچنین درباره اصراف از مدرنیزه کردن موشکهای بالستیک موجود و تولید انواع جدیدان، که قابل نصب در زیردریائیهای نامبرده هستند وارد مذاکره شویم.

ما پیشنهاد میکنیم که طرفین از هم اکنون از استقرار سلاحهای میان‌برد جدید موشکی و هستهای در اروپا صرف نظر کنند، یعنی سطح موجود این نوع سلاحها، از جمله سلاحهای هستهای خط مقدم آمریکا در این منطقه، از حیث کمی و کیفی بهین حال باقی بماند.

ما پیشنهاد میکنیم که یک کمیته دیپلما بین‌المللی از دانشمندان بزرگ کشورهای مختلف جهان تشکیل گردد و ضرورت حیاتی جلوگیری از فاجعه اتمی را بررسی کند.

ما پیشنهاد میکنیم که برای جستجوی راه حل سالم‌سازی اوضاع بین‌المللی و جلوگیری از بروز جنگ، اجلاس ویژه شورای امنیت شرکت سران کشورهای عضو شورا تشکیل گردد. زهران سایر کشورها نیز، در صورت تمایل، میتوانند این اجلاس شرکت کنند.

**توانید برزقه افزون:** «این پیشنهادها تازه اتحاد شوروی برای ادامه و بسط برنامه صلح ماست که حادترین و میرترین مسائل بین‌المللی کنونی را در بر میگیرند»

**توانید برزقه در:** گزارش خود یادآور شد که: «وظیفی که کنگره قبلی برای حزب تعیین کرده بود، بطور کلی با موفقیت انجام گرفته است»

**توانید برزقه سپس اظهار داشت که:** «این وظایف در شرایط مبارزه بین دو سمت مختلف در سیاست جهانی، سمت مبارکین مسابقه تسلیحاتی، تحکیم صلح و تشنج‌زدایی و دفاع از حق حاکمیت و آزادی ملتها از یکسو، و سمت تشنج‌زدایی و نام‌زدن مسابقه تسلیحاتی و سیاست تهدید و مذاخله در امور داخلی سایر کشورها و سرکوب مبارزات آزادیبخش از سوی دیگر، انجام گرفته است».

در سالهای بین دو کنگره مبارزه انقلابی ملت‌ها بی‌روزیهای آزادی بدست آورده است. گواه این مدعا انقلابهای اتوپی، افغانستان، نیکاراگوئه و سرنگونی رژیم ضد مردمی سلطنتی در ایران است. در دهه سالهای ۷۰ علاوه بر امپراتوریهای استعماری پایان پذیرفت»

**توانید برزقه سپس به بحث دربار مسائل مربوط به همکاری کشورهای سوسیالیستی پرداخت و گفت:**

«حزب ما، کمیته مرکزی و دفتر سیاسی آن، در تمام این سالها حداکثر کوشش را در راه تقویت دوستی و همکاری با کشورهای سوسیالیستی بکار بسته‌اند»

**توانید برزقه افزون:** «ما همه با هم سرگرم ایجاد دنیای تازه سوسیالیسم و برقراری روابط تازه عالمانه، برادرانه و برابر بین کشورهایمان هستیم، روابطی که در تاریخ بیسابقه است. روابط اتحاد شوروی با کشورهای عضو جامعه سوسیالیستی، یعنی بلغارستان، مجارستان، ویتنام، جمهوری دمکراتیک آلمان، کوبا، لائوس، مونتسنان، لیبستان، رومانی، چکسلواکی بر این پایه بنا شده است. ما در زمینه کلیه مسائل علم، پیشرفت اجتماعی و اقتصادی و سیاست بین‌المللی وحدت نظر اصولی و استوار داریم. ما این وحدت نظر را، که ثمره

همکاری‌های مداوم احزاب کمونیست برادر است، دستاورد بزرگ مشترک میان ما هستیم.

با آنکه سالهای اخیر را نمیتوان برای برخی از کشورهای سوسیالیستی به لحاظ اقتصادی، سالهای برتر نامید، ولی با این وجود، آهنگ رشد اقتصادی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ظرف ده سال اخیر در برابر آهنگ رشد اقتصادی کشورهای سرمایه‌داری یوده و کشورهای عضو شورا همچنان در چرخه کشورهای جهان، که با سرعت زیاد ترقی کرده‌اند، باقی مانده‌اند»

**توانید برزقه گفت:** «ما مسائلی را که در جریان همکاری کشورهایمان پیش می‌آیند مشترکاً حل میکنیم و میکوشیم تا بهترین راه‌حل را برای تلفیق هرچه بیشتر منافع هر یک از کشورهای برادر با منافع مشترک جامعه کشورهای سوسیالیستی بیابیم. برای مثال میتوان قیمت گذاری نفت و گاز و سایر مواد خام و کالاهای صنعتی راه که بین کشورهای عضو شورای همیاری» می‌آید به یاد به کشور موارد خاصی پیش می‌آید که باید به کشور های برادر کمک فوری ابراز داشته چنانکه در مورد ویتنام در سال ۱۹۶۹ - هنگامیکه در معرض تجاوز وحشیانه مکن قرار گرفت - پیش آمد اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بیدرتک مواد غذایی، دارو، مصالح ساختمانی و وسایل نقلی به ویتنام رسانند. همچنین به کامبوجیا، که دارد دست پروروت، سرسیردگان مکن، آترا به ویرانه تبدیل کرده بودند کمک فوری دادند»

**توانید برزقه افزون:** «اینست معنی ائترب ناسیونالیسم سوسیالیستی، و مردم ما آترا به خوبی درک و قایید میکنند»

**توانید برزقه گفت:** «کشورهای سوسیالیستی با بسط و توسعه روابط بازرگانی یا غرب موافقت و آترا یکی از عوامل ثبات وضع بین‌المللی می‌دانند. لیکن در این مسئله نمیتوان سیاست کشور های سرمایه‌داری را نادیده گرفت. آنها غالباً تلاش میکنند که روابط اقتصادی را به اهرم فشار سیاسی بر ما تبدیل کنند. انواع و اقسام تهمینها و محدودیتهای توطیه را تبیین در زمینه بازرگانی این یا آن کشور سوسیالیستی گواهم این مطلب است»

**توانید برزقه سپس به وقایع لیستان اشاره کرد و گفت:** «دآنگا که بر اشتباهات و خط‌های سیاست داخلی، توطیها و خرابکاریهای امپریالیسم افزوده میشود، زمینه برای گسترش فعالیت عناصر مخالف با سوسیالیسم فراهم میگردد. در لیستان چنین شد و مبنای دولت سوسیالیستی در معرض خطر قرار گرفت»

**توانید برزقه افزون:** «کمونیستهای لیستان، طبقه کارگر لیستان، زحمتکشان این کشور می‌توانند به دوستان و متحدان خود اطمینان کامل داشته باشند. ما کشور برادرمان، کشور سوسیالیستی لیستان را هرگز در مسیبت تنها نمیکذاریم»

**توانید برزقه گفت:** «در کنگره قبلی گفته شد که کشورهای سوسیالیستی پوسته یکدیگر نزدیک میشوند. این روند همچنان در حال رشد و تکامل است، لیکن باید دانست که روند نامبرده بزمانی معجز خصوصیات ملی و ویژگیهای تاریخی کشورهای سوسیالیستی نیست و توقع اشکال حیات اجتماعی این کشورها و سازماندهی اقتصادشان موجب غنای راهها و شیوه‌های برقراری نظام سوسیالیستی میگردد»

**توانید برزقه سپس به بحث درباره روابط اتحاد شوروی و چین پرداخت و اظهار داشت:** «متأسفانه هنوز نمیتوان گفت که دیپلمات خارجی یکن تغییرات عمیقی در جهت بهبود این سیاست روی داده است. سیاست خارجی چین همچنان در جهت تشنج‌زدایی و پهلو به پهلو با سیاست امپریالیسم پیش میرود. هدف ایالات متحده آمریکا و ژاپن و برخی از کشورهای عضو ناتو از گسترش روابط نظامی و سیاسی خود با چین، بهره‌گیری از سیاست خصمانه چین نسبت به اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، بسود مقاصد امپریالیستی خوششان است. علت سرری در روابط چین اتحاد شوروی موضوع ما نیست. اتحاد شوروی در دست رویارویی یا جمهوری توده‌ای چین نبوده و نیست. ما به پیروی از تصمیمات کنونی سیاست چهارم و بیست و پنجم حزب کمونیست اتحاد شوروی مایلیم که روابط خود را با جمهوری توده‌ای چین، بر اساس حسن همجواری، بنا کنیم. پیشنهاد های ما در مورد عادی کردن روابط بین دو کشور همچنان بقوت خود باقیست و در احکامات دوستی و احترام ما نسبت به خلق چین نیز کوچکترین خللی وارد نشده است»

امامه نطق **توانید برزقه** را در شماره فردا میتوان دید.

# نامه سرگشاده سازمان جوانان توده ایران به «شورای انقلاب فرهنگی»

### با بازگشایی دانشگاهها و مدارس عالی بر مبنای نیازها و منافع انقلاب، دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی را سرعت بخشید!

هشت ماه از تعطیل سراسری دانشگاهها و مدارس عالی کشور میگذرد. این مدت، مسئله دانشگاهها "به یکی از مسایل حاد و مبهم جامعه بدل گردید ماست. بانگاهی کوتاه به عوارض و پیامدهای تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی کشور، با نتایج زیرین مواجه میگردیم:

• تعطیل دراز مدت دانشگاهها و مدارس عالی، نارضایتی بخش وسیعی از دانشجویان، استادان، کساکاران دانشگاهها، دبیلیمهای پشت کنکور و خانوادههای آنان را برانگیخت و در نتیجه، زمینه مناسبی برای بهره گیری و سوء استفاده ضدانقلاب فراهم آورده است. ضدانقلاب، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی از این جوانان رضایی به منظور ایجاد انواع توطئهها و آشوبها بهره میگیرند. توطئه ۲۳ دی ۵۹ که نخستین بار توسط سازمان جوانان توده ایران (در اعلامیه مورخ ۲۵ دی ۱۳۵۹م) افشاء شد، نمونه ای از این بهره گیری است.

• تعطیل دراز مدت دانشگاهها و مدارس عالی، به ابزار مناسبی برای زرادخانه تبلیغاتی امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، لیبرالها و مائوئیستهای آمریکائی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران بدل گردیده است. آنان میگردند با بهره گیری از این مسئله، چهره انقلاب شکوهمند ایران را با انگ "ضدیت با علم و دانش" بیالایند.

• تعطیل دراز مدت دانشگاهها و مدارس عالی، عواقب خطرناکی برای رشد و تکامل انقلاب و بازسازی میهن به بار آورده است. عاقل ماندن نیروی عظیمی که می توانستند جذب این مراکز شوند و با فراگرفتن علوم و فنون به بازسازی میهن انقلابی بنحوی موثر یاری رسانند، عدم استفاده کامل از نیروی مقید موجود در دانشگاهها، بهیژه استادان و دانشجویان تربیت شده و دانشجویان رشته های فنی و عدم بهره گیری کامل از مراکز آموزشی امکانات فنی آنها و بالاخره محروم ماندن بخش وسیعی از نیروهای دانشجویی از مشارکت در امر دگرگونی نظام آموزشی و ... از جمله این عواقبند.

• مجموعه این عوامل، و نگرانی ما از اینکه مداوم تعطیل دانشگاهها و مدارس عالی پیامدهای ناگوار بیشتری برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به بار آورد، واحساس تعهد و وظیفهای که در قبال سرنوشت انقلاب و فرهنگ ایران انقلابی می کشیم، ما را بر آن داشت، تا سار دیگر نظرات خویش را درباره "مسئله دانشگاهها" بیان داریم، بدین امید که مورد توجه جدی شما مسئولین و دست اندکاران محترم انقلاب فرهنگی قرار گیرد.

## لزوم تحول بنیادی در نظام آموزش عالی از کجا ناشی می شود؟

انقلاب شکوهمند مردم ایران به رهبری امام خمینی، انقلابی از نظر مضمون ضد امپریالیستی و مردمی است، که هدف آن ریشه کن ساختن سلطه سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی امپریالیسم و نواستعمار، به سرکردگی آمریکا، از میهن ما و تأمین آزادیها و حقوق دگرگونی برای توده های وسیع مردم است.

یکی از عرصه های مهمی که انقلاب ضرورت دگرگونی بنیادی آن را مطرح ساخته، عرصه فرهنگ و از آن جمله آموزش عالی است. ناگاهی به نظام آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم گذشته، ضرورت این دگرگونی عمیق و بنیادی را نشان می دهد:

## آموزش عالی در دوران رژیم وابسته به امپریالیسم

در دوران سلطنت ننگین خاندان پهلوی و به ویژه پس از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، سلطه امریالیستی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر همه شئون زندگی میهن ما و از جمله بر فرهنگ و نظام آموزش عالی برقرار بود. نظریه

نقش مهم آموزش عالی در کمک به ایجاد تکنولوژی ملی و پرورش نسل متخصص و کارآمد کشور، این عرصه مورد توجه جدی امپریالیسم و عمال داخلی آن قرار داشت. دانشگاه بعنوان یکی از مراکز مهم علمی و مبارزه ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری، آماج انواع طرح های نو استعماری بود. اجرای این طرح ها نظام حاکم بر آموزش عالی میهن ما را به نظامی عمیقاً ضد خلقی و در خدمت منافع امپریالیسم و ارتجاع حاکم بر ایران بدل ساخته بود. ویژگی های این نظام بدین قرار بود:

الف) نظام حاکم بر آموزش عالی خصلی غیر مردمی داشت و توده های وسیع جوانان زحمتکش کشور عملاً از حق تحصیل عالی محروم بودند.

ب) نظام آموزش عالی نه در خدمت پیشرفت و ترقی اجتماعی ایران، که در خدمت تشدید وابستگی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم بود، زیرا:

• دروس آموزش های فنی مشوق و تقویت کننده صنایع مونتاژ بودند و هیچگونه پیوند موشی میان مراکز آموزشی و مراکز تولیدی وجود نداشت.

• دروس و آموزش های کشاورزی بدور از ویژگی های زیستی و جغرافیایی کشور بود و هیچ ارتباطی میان آموزش کشاورزی و تولید کشاورزی در میهن ما وجود نداشت.

• دروس و آموزش پزشکی و درمانی نه در جهت برآوردن نیازهای درمانی و خدماتی توده های زحمتکش محروم میهن، که مشوق گرایش به "طب طبقاتی" و در خدمت طبقات مرفه جامعه بود.

• آموزش پزشکی و درمانی با نیازهای توده های محروم میهن نامتناسب بود و در هماهنگی با سیاست های طبقاتی و ضد مردمی درمانی رژیم پهلوی قرار داشت.

• دروس و آموزش علوم انسانی و اجتماعی، زیر سلطه کامل نظریات بورژوازی و نواستعماری قرار داشت و تالیف اندیشه های نظریه پردازان سرمایه داری، به ویژه نظریه پردازان امپریالیسم ایالات متحده آمریکا، بعنوان آخرین دستاوردهای علوم اجتماعی، به خورد دانشجویان داده می شد.

• توزیع دانشجویان در رشته های گوناگون به هیچوجه با نیازهای رشد صنعتی کشور تطابق نداشت. در شرایط نیاز مبرم کشور به کادر متخصص جهت توسعه صنعت و کشاورزی و در شرایط کمبود و حشتناک پزشک در کشورمان، تنها درصد اندکی در این رشته ها به تحصیل اشتغال داشتند و درصد عمده دانشجویان در رشته های غیر تولیدی و غیر پایه ای تحصیل می کردند. این امر جزئی از طرح نواستعماری امپریالیسم برای تداوم و تشدید وابستگی میهن ما بود. طبق آمار یونسکو در سال ۱۹۷۱، از ۹۷۳۳۸ نفر کل دانشجویان ایران، ۱۵۲۸۵ نفر در رشته های علوم طبیعی و دقیقه، ۱۷۴۵۱ نفر در رشته های مهندسی و ۴۱۵۴ نفر در رشته کشاورزی تحصیل می کردند، یعنی در مجموع فقط ۳۷/۸ درصد دانشجویان در رشته های کلیدی و حیاتی به تحصیل اشتغال داشتند.

ج) آزادیها و حقوق دموکراتیک دانشجویان توسط رژیم شاه ملعون و کارگزاران آن شدیداً پایمال می شد، دانشجویان و دانشگاهیان از حق شرکت موثر در اداره مراکز آموزش عالی محروم بودند و هرگونه تلاش برای نیل به آزادی

اندیشه و بیان و هرگونه اعتراض به نظام نواستعماری آموزشی، توسط ساواک و گارد با خشونت سرکوب می شد. (د) بوروکراسی، که از ماهیت رژیم گذشته برمیخاست، تار و پود سیستم آموزش عالی، نظیر تمامی دستگاه اداری کشور را به بند کشیده بود و این امر امکان هرگونه شکوفایی استعداد و خلاقیت فکری را سلب می کرد.

## آموزش عالی پس از انقلاب شکوهمند مردم ایران

با پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، چشم اندازهای نوینی در عرصه نظام آموزش عالی گشوده شد. همه نبروه های مترقی دانشجویی - از جمله دانشجویان توده های - با شور و شوق به انقلاب تهنیت گفتند و چشم انتظاری دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی گردیدند.

ولی دولت موقت لیبرالها در دوران حکومت خود، نه تنها هیچ اقدامی در جهت تحول بنیادی در آموزش عالی نکرد، بلکه حتی اساتید سرشناس آموزشی تادمها در کف حمایت لیبرالها به "تدریس" ادامه دادند. محتوی دروس نیز تغییری نکرد. در این دوران اکثر اقداماتی در زمینه تصفیه عناصر سراسری و یا شرکت دانشجویان در اداره امور دانشگاهها و غیره انجام گرفت، تنها در اثر فشار نیروهای مترقی دانشجویی و در مقابل با کار شکنی های لیبرالها و دیگر مدافعین نظام کهنه آموزشی بود. علاوه بر آن، پدیده دیگری نیز رشد کرد که بعنوان پدیده منفی بر ضعفهای اساسی دانشگاهها و مدارس عالی افزوده شد و آن سوء استفاده گروهک های ضد انقلابی چپ ناپسند از آزادی های سیاسی موجود در جامعه دانشگاهها بود.

در این شرایط حساس، که لیبرالها و وابستگان به رژیم ضد فرهنگی گذشته سد راه هرگونه تحول در نظام آموزش عالی گردیده بودند، در شرایطی که گروهک های چپ ناپسند دانشگاه را عرصه فعالیت های ضد انقلابی خود قرار داده بودند، متأسفانه هیچگونه همکاری موثری در میان نیروهای دانشجویی مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران (که اکثریت مطلق دانشجویان را تشکیل می دادند) وجود نداشت. خودبینی ها و انحصارطلبی ها و قشری گرایی های نژادپرستانه و چپ رویی های آزوسی دیگر، سد راه این همکاری و اتحاد گردیده بود.

در آن زمان، تنها دانشجویان توده ای بودند که همه گروه های مترقی دانشجویی را به اتحاد عمل و همکاری فراخواندند و آنان را به بسیج در مقابل گروهک های ضد انقلابی مائوئیستی و فعالیت بیکر در راه انجام دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی دعوت می کردند.

دانشجویان توده ای از نخستین روز فعالیت علمی خویش در دانشگاهها، که به برکت انقلاب شکوهمند مردم ایران پدید آمد، با تمام نیرو در راه ایجاد جو تفاهد و هماهنگی با دیگر گروه های مترقی دانشجویی، به ویژه با انجمن های اسلامی دانشجویان، کوشیدند و برای تحقق اتحاد و تشکیل دانشجویان، شمار "پیش بسوی تشکیل اتحادیه سراسری دانشجویی" را مطرح ساختند.

ولی متأسفانه این شکل، که در آن شرایط می توانست نقش مهمی در تحول نظام آموزش عالی در راستای منافع و نیازهای انقلاب و تضمین کننده سلامت محیط آموزشی در مقابل فعالیت گروهک های

ع- در چنین شرایطی، جای خالی بخش عظیمی از جوانان - که باید اداره امور کشور را بدست گیرند، ولی از کسب تخصص علمی وقتی محروم می مانند - لاجرم توسط متخصصین تحصیل کرده در کشورهای سرمایه داری غرب، که بطور عمده از خانواده های مرفه و متاثر از شیوه تغذیه زندگی سرمایه داری غرب هستند، پر خواهد شد. علاوه بر آن، بخشی از جوانان برای ادامه تحصیل راهی کشورهای سرمایه داری می شوند، که این خود مبالغه قابل توجهی ارز از کشور خارج خواهد ساخت.

۷- بسیاری گروه های ذکر شده نارضایتی خود و خانواده هایشان را به دنبال خواهد داشت و در نتیجه، برای ضد انقلاب، زمینه لازم جهت تبلیغ علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران فراهم خواهد ساخت.

ما با پیشینی عوارض فوق و نیز با توجه به این نکته مهم که، تعطیل مراکز آموزش عالی نیروی خلاق دانشجویان را از شرکت در انجام دگرگونی بنیادی در نظام آموزش عالی باز خواهد داشت، با تعطیل دراز مدت دانشگاهها و مدارس عالی مخالفت کردیم. بمنظر ما، تعطیلات سه ماهه تابستان برای بی ریزی و برنامه ریزی چنین تحولی، با توجه به ضرورت مرم و حیاتی استفاده و بهره برداری از امکانات انسانی مراکز آموزش عالی کافی بود. به همان گونه که در زمینه آموزش قابل دانشگاهی - که دامنه بسیار وسیعتری و گسترده تری در مقابل آموزش عالی دارد - برای انجام تحول بنیادی، تعطیل تابستانها و دبیرستانها ضرورتی نیافت و انجام این تحول، همگام و همزمان با فعالیت مدارس، انجام می گیرد، در مورد دانشگاهها و مدارس عالی نیز چنین امری ممکن، میسر و لازم بود.

بهر حال و علیرغم تمامی این استدلالها و دلایل منطقی، دانشگاهها و مدارس عالی از خرداد ماه سال ۱۳۵۹، با دورنمایی مبهم و بدون طرح و برنامه روشن، تعطیل شدند و "شورای انقلاب فرهنگی" بعنوان ارگانی که وظیفه نظیر این سنگین تهیه طرح های انقلابی برای تحول در آموزش عالی و ایجاد محمل های ضروری برای بازگشایی مراکز آموزش عالی را بر عهده دارد، تشکیل شد و به دنبال آن، نهادهایی چون "جهاد دانشگاهی" و کمیته های گوناگون دیگر شروع به کار کردند.

## عملکرد چند ماهه دست اندکاران در انقلاب فرهنگی

برخورد منصفانه و مبتنی بر اخلاق انقلابی حکم می کند که هر انسان انقلابی در ارزیابی عملکرد مسئولین محترم و دگرگونی اندر کاران "انقلاب فرهنگی" این واقعیت انکارناپذیر را تصدیق کند که، در این چند ماهه، آنها بی وقوف و با خلوص نیت تلاش کرده اند و تمام مساعی خود را برای انجام وظایف سنگین فوق و تحقق هدف های مرم دگرگونی بنیادی نظام آموزش عالی به کار گرفته اند. ولی صرف نظر از این تلاش قابل تقدیر و این نیت پاک و انقلابی، آما "شورای انقلاب فرهنگی" و دیگر دست اندکاران "انقلاب فرهنگی" تاکنون موفق شده اند که نتایج رسانی ناشی از تعطیل دانشگاهها را حیران کنند و برای امر انقلاب فرهنگی و بازگشایی دانشگاهها دورنمایی روشن ترسیم کنند؟

نظری به سخت عمده عملکرد چند ماهه، دست اندکاران "انقلاب فرهنگی" برای پاسخ بدین پرسش، ضرور است:

## الف: جذب نیروی دانشجویان

بمنظور جذب نیروی ده ها هزار نفری دانشجویان (که بعنوان یکی از عوارض تعطیل دانشگاهها برشمرده می شود) مرکزی بنام "جذب نیرو" تشکیل شد. هدف های این مرکز چنین اعلام شد: "دفتر جذب نیرو که از طرف دانشجویان باز شده ... برای جذب دانشجویان است. البته (ما میداوریم) که به این ترتیب همه دانشجویان جذب بشوند و این امری است که ما باید بدان بقیه در صفحه ۶

مردم خواهد ماند.

# کارگران همه جای کشور، جبهه است کارخانه گیوار:

مهمترین خواست ما راه‌افتادن مجدد کارخانه است  
در کار تشکیل سندیکا کارکنی منگرمده ولی سندیکا تشکیل شد و کارهای زبانی هم انجام داده  
دولت باید هر چه زودتر قانون شوراهای کارخانه‌ها را روغن کند

کارخانه بیروقیل سازی گیوار (تهران) دارای ۲۲۰ کارگر و ۳۸ کارمند است. از نظر مواد اولیه این کارخانه به‌طور عمده وابسته به خارج است و مواد اولیه آن از کشورهای ژاپن، انگلستان و... تأمین می‌شود. بعد از تحریم اقتصادی، مواد اولیه این کارخانه از طریق دلالان بین‌المللی خریداری شده است. در صورت گسترش و افزایش تولید، کارخانه‌های ذوب‌آهن اصفهان و نورد اهواز می‌توانند مواد اولیه مورد نیاز کارخانه‌های بیروقیل سازی را تأمین کنند و این کارخانه و دیگر کارخانه‌های بیروقیل سازی کشور را خودکفا کنند. این کارخانه از اوایل آذرماه اسفند به علت نبودن مواد اولیه تعطیل شده است. دبیر سندیکای کارگران در این مورد می‌گوید:

پس از انقلاب، در اثر کوشش کارگران، ۳۵٪ به تولید این کارخانه اضافه شد و به این علت مواد اولیه ذخیره این کارخانه سرپا صرف و تمام شد. مواد اولیه خریداری شده هم به علت شروع جنگ به موقع به کارخانه نرسید و کارخانه تعطیل شد. ولی هر موقع که مواد اولیه برسد، کارخانه شروع به کار خواهد کرد.

۴۹٪ سهام این کارخانه دولتی و بقیه آن متعلق به بخش خصوصی است. پیش از انقلاب مقداری از سهام این کارخانه از طرف سهام داران خصوصی به کارگران فروخته شده است. یکی از کارگران در این مورد می‌گوید:

"فروش سهام کارخانه از طرف آن‌ها برای جمع کردن پول کارگران در دست

خودشان بود. سهمی کمی ما فروختند، هیچ ارزشی نداشت. سرمایه دار سهم‌اش را می‌برد و چند برابرش از بانک وام می‌گرفت. ولی سهم کارگرا هیچ فایده‌ای نداشت."

از ۱/۵ سال پیش، کارگران این کارخانه سندیکای خود را تشکیل داده‌اند. دبیر سندیکا در مورد چگونگی تشکیل سندیکا می‌گوید:

"برای تشکیل سندیکای حمت‌فراوان کشیدیم. عده‌ای از بیسوادی کارگران استفاده می‌کردند و تقلب می‌کردند و در کار تشکیل سندیکا کارکنی می‌کردند. ولی سندیکای تشکیل شد کارهای زیادی هم تا به حال انجام داده است، از جمله:

- (۱) گرفتن سه میلیون تومان وام برای کارگران.
- (۲) گرفتن اضافه حقوق برای کارگران طبق قانون وزارت کار.
- (۳) مجانی کردن ناهار و یکتاوخ کردن ناهار خوری کارگران و کارمندان.
- (۴) گرفتن سودویزه تا قبل از لغو آن برای کارگران.
- (۵) تأمین وسایل ایمنی کار برای کارگران و کارهای دیگر.

ولیکن هنوز از نظر بهداشتی وضع کارگاهها خوب نیست، که این را هم، اگر کارخانه را می‌بفشد، درست می‌کنیم." در جواب این سؤال که: "آیا در صدد هستید که شورایی تشکیل بدهید یا نه؟" یکی دیگر از نمایندگان کارگران می‌گوید:

"اسم مهم نیست، مهم عملکرد است و برای همین ما منتظریم تا قانون شوراها

## کارگران انبار چیت مازندران: باید وسایل ایمنی و رفاهی را تأمین کرد

### کارگران می‌گویند: ما کارگران برای اینکه کشور را حفظ کنیم باید در جبهه بجنگیم یا در محل کار، تولید را بالا ببریم

در انبار چیت مازندران (تهران) ۲۲ کارگر کامیون‌های حامل پارچه‌های تولید شده در کارخانجات نساجی مازندران را تخلیه می‌کنند و کامیون‌های زاکه به فروشگاه‌های تهران پارچه می‌رسانند، بارگیری می‌کنند. اکثر کارگران این انبار، پس از انقلاب رسمی شده‌اند و چهره‌های جوان در میان آن‌ها بسیار دیده می‌شود. میزان حقوق ماهیانه کارگران به‌طور متوسط ۲۸۰۰ تومان است و همگی دارای دفترچه بیمه هستند.

کارگران این انبار همچون دیگر بخش‌های طبقه کارگر، با جان و دل کار می‌کنند و از هیچ کوششی برای پیشبرد اهداف انقلاب مضایقت ندارند. کافیت یادآور شوم که همین کارگران پیش از انقلاب روزانه فقط دو کامیون بار تخلیه می‌کردند، در حالی که اکنون روزانه ۱۷ کامیون بار تخلیه می‌کنند. یکی از کارگران در این مورد می‌گوید:

"پیش از انقلاب کارگران چندان مایل به کار کردن نبودند، ولی الان با وجودی که شرایط کار تغییر چندانی نکرده، ولی کارگران اگر تا ساعت ۸ شب هم کامیون به انبار بیاید، کار را متوقف نمی‌کنند."

شرایط سنگین و طاقت‌فرسا از خصمه‌های کار در انبار است. ظرف دو سال گذشته ۳ تن از کارگران این انبار در اثر نبودن بار سنگین تحت عمل جراحی قرار گرفته‌اند. انبار، به‌جز چند وسیله اولیه برای اطفاء حریق فاقد امکانات دیگر ایمنی و رفاهی است. فضای انبار، با وجود

چند هواکش، غرق در ذرات گرد و غبار است. کارگران می‌گویند:

"باستان‌ها گرد و غبار آنچنان زیاد است که نفس کشیدن در انبار ممکن نیست."

سال گذشته به کارگران این انبار لباس مخصوص کار دادند، ولی اسفند از آن خبری نیست. از همین رو کارگران لباس‌های نامناسبی دارند و فاقد کفش ایمنی هستند. آنان به علت نداشتن ناهار خوری مجبورند ناهار با خود از خانه به محل کار بیاورند. کارگران از سرویس رفت و آمد نیز بی‌بهره‌اند. بسیاری از کارگران روزانه تا ۴ ساعت برای رفت و آمد وقت صرف می‌کنند. راننده لیفترا انبار می‌گوید:

سرویس رفت و آمد خواستیم، به ما گفتند: خانه‌های کارگران در سطح تهران پراکنده است و وجود سرویس رفت و آمد امکان‌پذیر نیست. من پیشنهاد کردم که صبح‌ها یک مینی‌بوس برای مدت ۲ ساعت در اختیار بگذارند، تا تمام کارگران را به محل کاریابورم نمی‌خواهم."

وی در باره جنگ و موقعیت کنونی کشور می‌گوید:

"این در خصلت انقلاب ما است. کتا آخر در مقابل دشمنان ما ایستادیم. در جنگ عراق نقش اصلی ما آمریکا است. ما هم جز همراهی در دست آمریکا نیست. آمریکا دو کشور را به‌جای هم انداخته و خودش سود می‌برد. ما کارگران برای این کشور را حفظ کنیم، باید در جبهه بجنگیم و یا در محل

## طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، تو میم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیش قدم است!

# دستفروشی: صور تکی بر چهره زشت بیکاری

از نیروی انبوه دست‌فروشان در بازسازی رسته اقتصادی کشور استفاده کنیم!

یکی از مشکلات مهم اجتماعی و اقتصادی کشور ما، مسئله بیکاری است. بیکاری از مسرات‌های شوم رژیم طاغوت است و آثار آن پیرای انقلاب نمایان تر شده است. با پیروزی انقلاب، بر اثر توطئه‌های عوامل وابسته امپریالیسم و جیره‌خواران رژیم طاغوت، برانسیه عظیم بیکاران افزوده شد. عده زیادی از بیکاران کشور برای تأمین مایحتاج زندگی مجبور شدند به مشاغل کاذبی چون دست‌فروشی روی آورند. این دست‌فروشان بیشتر از دهقانان بی‌زمین هستند، که به علت فقر شدید، مجبور به مهاجرت به شهرها شده‌اند. در کنار این‌ها، گروهی از کارگران موسسات، کارخانه‌ها و کارگاه‌های ورشکسته و تعطیل شده نیز هستند. دست‌فروشان به علت نداشتن کار ثابت، کمی درآمد و گرانی مایحتاج زندگی، شرایط سختی را تحمل می‌کنند. دست‌فروشان زنجان نیز از این جمله‌اند. با تکی چند تن از آن‌ها به گفتگوی نشینیم. حسن هفده ساله، که خانواده او به علت نداشتن زمین از روستای "سلطان رود" به "زنجان" مهاجرت کرده است. سیکار فروشی می‌کند. می‌گوید:

"باید زندگی را تأمین کنم، مجبورم از صبح تا عصر دست‌فروشی کنم. آخر کار دیگری ندارم. بعضی از مواقع کار نیست و درآمدی نداریم. در بهترین حالت، درآمد روزانه‌ام بیست و پنج تومان است. گرانی مایحتاج زندگی فشار بیش از حدی به ما وارد می‌کند و سطح زندگی ما را پایین آورده است. از این کار راضی نیستم و امیدوارم دولت برای ما کار ثابت و شرافتمندانه‌ای تهیه کند."

حسن تا کلاس چهارم ابتدایی درس خوانده و بعد اجباراً ترک تحصیل کرده است.

درباره انقلاب می‌گوید:

"ماحتما در مقابله با آمریکا پیروز خواهیم شد. باید که از دست‌فروشان به صحبت می‌نشینیم. نامش "اللهیار" است و از روستاهای اطراف آمده است. او لباس‌های دست دوم می‌فروشد. وی می‌گوید:

"هشت سال است دست‌فروشی می‌کنم و روزی پنجاه الی صد تومان بیشتر درآمد ندارم. چون گرانی می‌گوید و چون گرانی و تورم جنبه عمومی و

## قالی بافان باید از مزایای بیمه برخوردار شوند

در شهرستان آشتیان عده زیادی از زنان و دختران به کار قالی بافی اشتغال دارند. حدود ۹۵٪ آنها، قالی را برای ما حب کار می‌بافند و در مقابل دستمزدی دریافت می‌کنند. در آرای فروش هر قالی حدود هشتاد تا صد هزار ریال عاید صاحب کار می‌شود، و حتی گاهی اوقات، که با زارداغ تراست، سود بیشتری نصیب او می‌شود.

از یکی از قالی بافان پرسیدیم: "چرا با گرفتن وام از دولت، خود اقدام به این کار نمی‌کنید، تا سود بیشتری نصیب شما شود؟" او گفت:

"سال گذشته به ما وام می‌دادند، ولی کمتر کسی وام گرفت. علت آنست که تنها وام دردمارادوانی می‌کند، بلکه تهیه مواد اولیه برای مادشوار است. برای اینکه کار ما باید یک نفر در شهر در جستجوی آن مواد باشد و اینکار از عهده ما بر نمی‌آید. همچنین چون مواد اولیه را به‌طور عمده نمی‌خریم، از این جهت برای ما گران تمام می‌شود. در مقابل چون ما حب کار همیشه جنس را بصورت عمده می‌خریم، برای ما و از آن تر تمام می‌شود."

مشکلات عمده قالی بافان عبارتند از:

- ۱- مشکل تهیه مواد اولیه (دار قالی - خامه چینی)،
- ۲- گران تمام شدن قیمت مواد اولیه برای آنها،
- ۳- مسئله فروش قالی به بازار ایران و ودلان،
- ۴- مسئله بیمه،
- ۵- نداشتن پزشک متخصص در شهر و روستاهای اطراف،

قرا رگرفتن زیر پوش بیمه، برای قالی بافان، یکی از مهم‌ترین مسائل است. بیشتر قالی بافان چون در محیط‌های غیر بهداشتی کار می‌کنند، به‌بیماری‌هایی چون امراض ریوی و چشمی دچار می‌شوند. باید همه این جمعیتشان از مزایای بیمه و سایر مزایای قانونی بهره‌مند شوند.

ویژه روستاهای استان فارس

# دهقانان فارس از کار هیئت هفت نفری راضی هستند

## می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد



عبدالله مجیدی (ایرقد - فارس)

دولت می تواند به ما تسلیه و وسایل کشاورزی و کود بدهد، تا بتوانیم زمین های بایر را آباد کنیم. در محل ما کم آبی مشکل اساسی است. در صورت وجود تسلیه، می توان صدها هکتار زمین را زیر کشت برد.

عبدالله در مورد حمله صدام و توطئه های آمریکا می گوید:

"توطئه های آمریکا و ضد انقلاب بیشترین صدمه ها را به ما زده است. باید ضد انقلاب را سرکوب کرد. مردم باید با دولت همکاری کنند، تا کسی نتواند آشوب کند. وحدت همه مردم برای مقابله با آمریکا لازم است. ما نباید بگذاریم یک وجب از خاک ایران را آمریکا و عراق بگیرند."

### امام خمینی: به کشاورزان بگوئید ما نظرقدار فتوادل هستیم

## استقبال گرم دهقانان سرگدار - داراب از اقدامات

### هیئت هفت نفری

شده میوه اهالی سرگدار و اگذار گردیده است. تکلیف احشام در آنها مجتمع شوند. برای آنها یک حلقه چاه عمیق نیز در نظر گرفته اند.

این عمل مثبت هیئت هفت نفری با استقبال گرم اهالی روبرو شده است. اهالی می گویند:

چون همه مادرین حال کشفل دامداری را رها نمی کنیم، بکار کشاورزی علاقه داریم و به آن آشنا هستیم. از هیئت هفت نفری تقاضای واگذاری اراضی بیشتری داریم، تا بتوانیم هم علوفه دام ها و هم گندم و جو تولید کنیم. تاکنون حدود ۸۰ خانوار مادگی خود را برای ساکن شدن در منطقه واگذاری اعلام کرده اند. اهالی سرگدار پشتیبان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران هستند. هیئت انقلابی، بخصوص هیئت هفت نفری هستند و تاکنون ۳۰ راس گوسفند و چندین هزار تومان پول به جنگ زدگان کمک کرده اند.

اهالی منطقه احشام دزدون به علت داشتن چشمه، چاه بنه میسند. داشتن چاه همیشه همانجا ساکن هستند. ۱۴۰ خانوار است. مناطق احشام چاله و دیگو هر کدام با حدود ۴۰ خانوار از دیگر احشام بزرگتر است. محل های مسکونی منطقه سرگدار در حقیقت عبارت است از فقط تعدادی خانه های گلی و دیگر هیچ. عده دام ها حدود ده هزار راس گوسفند است. تعدادی از اهالی دارای باغ های انگور، انجیر و بادام دیمی هستند. تا مین آب برای آسایش اهالی و شرب دام ها یکی از بزرگ ترین مشکلات اهالی سرگدار است. حدود ۲۵۰ هکتار از اراضی در منطقه بنه کلاغی (در شمال منطقه احشام چاله) که هم دارای منبع آب زیرزمینی است، هم خاکش مستعد کشاورزی است و هم اطراف آن مرتع است، توسط هیئت هفت نفری واگذاری زمین ملی

## دامپروری و دامپریشکی «فسا» به یاری بیشتری نیاز دارد

امکانات واکسن و وسیله نقلیه و جهاد را از نظر امکانات دارویی مجهز کنیم، تا لااقل در مورد بهداشت و درمان دام ها مشکلات کمتری داشته باشیم. اگر بانک کشاورزی در مورد مشکل پرداخت وام با جهاد سازندگی همکاری لازم می داشت، می شک مسئله پرداخت وام هم صورت بهتری پیدا می کرد. آنچه مسلم است همکاری بانک کشاورزی و جهاد ضروری است، تا پرداخت وام هم از آن شکلی که تا بحال بوده میروند. و حالت مردمی تر بخود بگیرد و نیازها معیار کار باشد نه رابطه.

ندارند. برای اثبات این ادعا می توان از دامداران خود میانه نظر خواهی بعمل آورد.

مشکل اساسی دیگر دامداران این منطقه، کمبود دارو و واکسن است. با تکیه بر همکاری خیلی نزدیک دام پریشکی و جهاد سازندگی و فعالیت هر دو در جهت رفع کمبود ها، می توان کمبود دارو و واکسن را مرتفع ساخت. عملا ثابت شده است که برای رفع مشکل دامداران از نظر بهداشت و درمان، همکاری هر چه بیشتر جهاد و دامپریشکی لازم است باید دامپریشکی را از نظر

## زمینهای بزرگ مالکان «تنگ خشک» را به روستائیان می چیز و اگذار کنید

در نزدیکی سیوند (واقع در ۲۰ کیلومتری مرودشت فارس) روستایی به نام تنگ خشک قرار دارد، که از بسیاری وسایل رفاهی محروم است. مهم تر از آن این که، ۵۰-۴۰ خانوار آن بدون زمین هستند و برای مالکان بزرگ رعیتی و چوپانی می کنند. این روستا در حدود ۵۰۰ هکتار زمین دارد، که در دست مالکان بزرگ متمرکز شده است. یک بزرگ مالک طاغوتی و غاصب معروف، درخت های روستایان را از بین برد و تبدیل به باصطلاح کشت مکانیزه کرد. او خانه و کاشانه عشا بر را بر سرشان ویران کرد و آن ها را به چوپان و رعیت و محتاجان خود بدل نمود.

یکی از دهقانان تنگ خشک می گفت: "ما احتیاج به زمین داریم. مالکها همه زحمت ها را به ما می دهند. اما زمین نمی دهند."

به جاست که هیئت واگذاری زمین مرودشت، به زندگی بی بضاعت این کوخشینان توجه لازم را داشته باشد. واگذاری زمین به دهقانان تهنی دست تقویت پشت جبهه است.

بزرگ مالکان این روستا نه تنها در این ده، بلکه در بیشتر نقاط فارس زمین و باغ و گلگه دارند. زمین های سرفقات، گزرد، جنزیبگی، لپوک، پوز، مهاجر، بالای دشت بال و از دشت بال تا سیوند متعلق به همین مالکان است. آن ها هم چنین در شیراز در کوک، در مهگون، در سرحد، در کربل فارس زمین دارند. روستائیان واقعا چشم انتظارند و می خواهند که هیئت به آن ها برسد و حق غصب شده آن ها را از غاصبان (مالکان بزرگ و فتوادل ها) پس بگیرد. با واگذاری زمین هم حق به فقدان خواهد رسید و هم ستون پنجم امپریالیسم تضعیف و ریشه کن خواهد شد.

## درست نصف زمین های روستای دوقلوی کریم آباد و محمد آباد داراب، در دست بزرگ مالکان است

روستای کریم آباد تقریباً ۹۰ هکتار زمین دارد که ۴۵ هکتار آن متعلق به پانزده نفر دهقان و ۴۵ هکتار دیگر فقط متعلق به یک مالک است که دارای باغ و زمین در مناطق دیگر نیز هست.

روستای محمد آباد تقریباً ۱۲۰ هکتار زمین دارد، که ۶۰ هکتار آن متعلق به ۱۲ نفر دهقان و ۶۰ هکتار دیگر متعلق به یک مالک است. غصه های از دهقانها بر روی اراضی دو بزرگ مالک کار می کنند و سهم آنها فقط یک دهم محصول است. عده ای از خوش نشین های این روستا در کوره های آجری نزدیک روستا کار می کنند و سهم بجز کار موقت در داراب و دیگر نواحی، برای پیدا کردن لقمه ای نان هیچ کار و کسبی ندارند.

اجرای بند "ج" در این دو روستا خواست اساسی مردم زحمتکش آن و منطبق با اهداف انقلاب شکوهمند خد امپریالیستی و مردمی مردم قهرمان ایران است.

این دو روستا در فاصله چهار کیلومتری جنوب غربی داراب در حاشیه جنوب غربی کوه پهنه قرار گرفته است. جمعیت حدود ۵۰۰ نفر (غیر از توسط جهاد سازندگی جاده های ساخته شده، که پس از عبور از روستا های اکبر آباد و محمد آباد به چند روستای دیگر از قریل عباس آباد و دنگان و غیره می رسد. این دو روستا تقریباً بهم متصل هستند و در داشتن مدرسه و حسینیه و مسجد باهم مشترکند. جمعیت روستای محمد آباد و نیز وسعت زمین های آن از کریم آباد بیشتر است. اخیراً توسط جهاد سازندگی یک حلقه چاه برای آسایش اهالی در روستا حفر گردیده. اهالی این دو روستا حمام ندارند و بی صبرانه در انتظار اتمام کار حفر چاه و لوله کشی هستند. تفاوت و عدم اشتراک دو روستا در اسامی فتوادل ها و بزرگ زمین داران آنها است. این دو روستا یکی از پر آب ترین و حاصلخیزترین روستاهای منطقه داراب است.

## جهاد سازندگی و اقدامات هیئت آن در دودج

"دودج" در مسیر خرما - شیراز و در نزدیکی روستای "داربون" واقع شده است. اکثریت اهالی روستا کشاورزند و تعداد کمی دامپروری می کنند. شورای ده تشکیل شده و چهار نفر مسئولیت انجام امور را برعهده گرفته اند. جهاد سازندگی چند طرح آبرسانی، شن ریزی ساختمان دبیرستان، ایجاد دکتا بخانه، ایجاد دو کانال آبرفتی و ... را اجرا کرده است.

واحد خدمات کشاورزی وابسته به جهاد سازندگی تا کنون اقداماتی به نفع اهالی زحمتکش کرده است. در اختیار گذاشتن سه دستگاه اکتور با وسایل مربوطه، بخش کود شیمیایی بین کشاورزان شخم زدن و دیسک و مرز بندی در حدود هزار هکتار زمین از جمله فعالیت های مردمی این واحد بوده است.

هیئت هفت نفری واگذاری زمین در حدود ۶۰۰ هکتار زمین بین ۱۲۰ نفر از اهالی، که به گروه های ۱۲ نفری تقسیم شده اند، واگذار کرده است.

روستائیان برای مداوای بیماران خود ناچارند به خرما یا شیراز بروند. روستائیان از اقدامات مفید و مردمی جهاد و هیئت راضی اند و خواستار گسترش فعالیت این نهاد های انقلابی هستند.

## برای نجات کشاورزی منطقه

### شده قره بلاغ در منطقه

فسا - فارس بکوشیم

حمله دمدستانه رژیم صدام، با حمایت پشتیبانی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، وارتجاع منطقه به نقاط نفت خیز کشورمان، بار سنگینی از مشکلات اقتصادی، سردوش زحمتکشان کشورمان گذاشته شده است. این مسئله مخصوصاً از نظر مواد سوختی جهت مصارف کشاورزی حائز اهمیت است. زیرا کشاورزان مناطق کم آب، با استفاده از پمپ های آبیاری، مجبور میروند که کشتن آب از دل خاک هستند و نیاز به روغن موتور و سوخت دارند. منطقه شش قره بلاغ فسا، از جمله آن مناطقی است که با وجود زمینهای مرغوب و حاصلخیز و آب زیرزمینی فراوان، کشاورزی آن در شرف نابودی است. این نابودی هم مولود کمبود مواد سوختی برای تعداد زیادی از تلمیهای این دیار است. اگر به زودی

فکری به حال کشاورزان این سرزمین نشود، خسارات زیادی را به دنبال خواهد داشت. در این منطقه هیچ سیستم آبیاری وجود ندارد، که اگر سوخت و روغن بیسهای آبیاری تامین نشود، بیش از نیمی از اقتصاد کشاورزی منطقه فسا به نابودی کشیده خواهد شد. از هر طریق ممکن به کمک کشاورزان این منطقه بشتابیم.

نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۳
میردازیم و بر خودمان روشن کنیم.
(دکتر سروش - سخنگوی شورای
انقلاب فرهنگی، جمهوری اسلامی،
۱۳۵۹/۳/۲۸)
واضوی دانشجویان عضو "دکتر
جذب نیرو" چنین گفته شد:

"ما در درجه اول با توجه به
امکاناتی که خودمان داریم، فقط بعنوان
یک جمع دانشجویی آن برادران و
خواهران را بکار نمیگیریم که این حرکت
را قبول داشتند، ولی باز آدم‌هایی
نیودیم که به قول معروف دگم باشیم و
همراه با ما همگام نباشیم. در
نظرمان هست، حتی طرحی داریم، که
اگر امکانات بدست بیآوریم، همه افراد
به کار گرفته شوند و اقتصاد جهت خدمت
به جامعه کار کنند." (اطلاعات،
۱۳۵۹/۴/۱)

و چندی بعد نیز، در اطلاعیه
"ستاد انقلاب فرهنگی" - مورخ
۱۳۵۹/۶/۱۶ - چنین اعلام شد:
"ستاد جهاد دانشگاهی از ابتدای
فعالیت خود بطور پیگیر به دنبال تهیه
طرح استفاده از نیروهای دانشگاهی و
برنامه‌ریزی برای بکارگیری هر چه بیشتر
و سریع‌تر این نیروها بوده است... و
اکنون در اولین مرحله برای این گروه
از دانشجویان فنی طرح‌های اجرایی
تهیه کرده‌ام... بعلاوه نیاز ملکت
به امور خدماتی، درمانی، فنی و اداری
این طرح‌ها بتدریج کلیه دانشجویان
را دربر پوشش قرار خواهند داد."
(اطلاعات ۱۳۵۹/۶/۱۶)

این اظهار نظرها در ابتدا بسیار
امیدوارکننده بود و حکایت از این
واقعیتی می‌کرد که مسئولین "انقلاب
فرهنگی و دست‌اندرکاران آن نیز به
خطرات ناشی از تعطیل دانشگاه‌ها و
مدارس عالی، از جمله بکارگرفتن نیروی
اصلی ده‌هزار نفری دانشجویان را کادر
علمی و نیز آزاد کردن امکانات علمی و
فنی مراکز آموزش عالی توجه دارند.
نکته آن‌ها بر بکارگیری همه نیروها مابعد
دلگرمی و توجیه بخش شروع فعالیت فارغ
از تحصیل و انحصار طلبی و قسری -
گری و مبتنی بر درک و اطمینان جامعه
بود.

براین اساس و نیز بر مبنای نیاز
حیاتی جامعه به بهره‌گیری از امکانات
مادی و انسانی مراکز آموزش عالی، ما
از همه دانشجویان عضو و هوادار خود
خواستیم، تا تلاش بپذیرد و خوشی را
در خدمت نهادهای تعیین شده از سوی
"شورای انقلاب فرهنگی" نظیر "جهاد
دانشگاهی"، "جذب نیرو" و... قرار
دهند.

متأسفانه، برخلاف ادعاهای اولیه،
نه تنها از نیروی دانشجویان عضو و
هوادار سازمان ما، بلکه از نیروی بخش
عظیمی از دیگر دانشجویان شرقی و
معتدبه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
نیز استفاده نشد. انحصار طلبی برخی
مسئولین و دست‌اندرکاران "انقلاب
فرهنگی"، که کویا به اهمیت بسج هم
نیروهای دانشجویی در خدمت انجام
دگرگونی بنیادی در نظام آموزشی و نیز
در خدمت بازسازی جامعه پی نبرده
تنها بر اساس مبارزات تنگ نظرانه به
گرم کردن دانشجویان مشغول بودند،
عامل این عدم جذب نیروی بخش
قابل توجهی از دانشجویان مومن به
انقلاب است.

تعطیل برنامه دانشگاه‌ها و بکارگرفته
شدن دانشجویان و عدم کارایی کافی
نهادهای "جذب نیرو" در سطح آنان،
به علاوه عوامل ذکر شده، در بالا،
دست بدست هم داد و موجب آن شد
که "جذب نیرو" دانشجویان به
اعتراف خود دست‌اندرکاران این امر،
با عدم موفقیت مواجه شد.

بمطابق طرح "جذب نیرو" و
استفاده از نیروی عظیم سازمان
دانشجویان برای سازندگی و مبارزتی
خدمت به زحمت‌کنان، در صورتی
می‌تواند موفق باشد که:

۱- دانشگاه‌ها و مدارس عالی
کنوده شوند و مسئولین امر با بسیج
نیروی متمرکز در مراکز آموزش عالی و
برنامه‌ریزی مستمر، آنها را در رشتف
های کارگزاران به کار گیرند.
۲- مبارز برای جذب نیرو، نه
مبارزهای عقیدتی، بلکه مبارزاتی انقلابی
و ضدانقلابی باشد، زیرا هم اکنون نیرو-

از: «پرسش و پاسخ» (ار ۱۲۰۹)

نورالدین کیانوری

روند انقلاب و مبارزه توده‌های زحمتکش و دمکراتیک جامعه
پدیده‌های انحصار طلبانه و قهقرایی را از میان بر خواهد داشت

گرایش‌های مثبت سیاست خارجی، چنانکه
موضوعگیری ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتحد
نشان داد، بدون نوسان نیست.

یعنی مبارزه با امپریالیسم، صدمه نرند.
حالا ممکن است که دوران طولانی مجبور به تحمل چنین محرومیت‌
هایی باشیم. همانطور که در اسناد حزب هم آمده است، حتی امکان دارد
که راست‌گرای و محدودیت‌ها از این نیز شدیدتر شود. تنها با مبارزه وسیع
توده‌های طرف نیروهای آگاه جامعه میتوان حقوق موجود را تثبیت کرد و
حتی گسترش داد.

س: موضوعگیری‌های ایران در کنفرانس کشورهای غیرمتحد، در مقایسه
با گام‌های مثبتی که در سیاست خارجی ایران پیش از تشکیل این کنفرانس
برداشته شده بود، گامی بود بمعقب و شکست‌انگیز. نظر شما در این باره
چیه؟

ج: همانطور که بارها گفته‌ام، یکی از ویژگی‌های حاکمیت کونی
همیشه تنگ نظری انحصار طلبانه در زمینه شناخت نیروهای دوست و دشمن
انقلاب ایران بوده است.

آنچه که در این زمینه در این اواخر نمایان بوده است، نظمی پدید آمدن
هایی است. رشد این نظمی کشف خواهد بود، بلکه گرایش است در
خطی منسکس. یعنی ممکن است موانع تازه‌ای در راه رشد این نظمی پیش بیاید،
چه از طرف نیروهای ارتجاعی و ضدانقلاب و چه بر اثر ترمزهای درونی
حاکمیت.

ما در عین اینکه نباید دچار خوش بینی بیش از حد بشویم، نباید به
و حشت بیافتم. اگر فکر کنیم موضع ایران در زمینه سیاست خارجی بزودی
مثل سوریه، لیبی، الجزایر، کوبا، آنکولا، بوزامبیک و ویتنام خواهد شد،
شناخت نادقیقی از واقعیت انقلاب ایران و نیروهای انقلابی موجود داریم.
در عین حال، با تجربه انقلابی ما داریم، این نوع عقب گردها را باید
قانونمندانه بدانیم و دچار هراس نشویم. ما به نقطه مثبت بیش از چنین
عقب گردهایی اهمیت می‌دهیم.

س: در دوسال اخیر حزب توده ایران پشتیبانی صادقانه خود را از
انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به ثبوت رسانیده است. با توجه به این
واقعیت، نظر شما درباره اینکه بارهای از رفقای ما نیز در ادارات و دیگر
نهادها، بهمراه عناصر ضدانقلابی و ساواکی، اخراج شده‌اند، چیست؟

ج: در انقلاب ضدامپریالیستی و خلقی، که در ایران انجام گرفت،
طیف وسیعی از نیروها شرکت داشت. برخی از این نیروها، به اقتضای ماهیت
طبقاتی خود اینک از انقلاب رویگردان شده‌اند و در راه سازش با
امپریالیسم و برگرداندن دستاوردهای انقلاب قدم برمی‌دارند. برخی دیگر
در مواضع ضدامپریالیستی و واحدی خلقی باقی مانده‌اند، ولی دارای
ویژگی‌های طبقاتی دوگانه خرد روزرواری هستند. یعنی، از یک طرف،
تمایلات جدی انقلابی دارند و از طرف دیگر دارای گرایش‌های جدی
معاوضه‌گارانه و در مواردی حتی قهقرایی و ارتجاعی هستند. قدرت حاکمه
هم بدست بخش قابل ملاحظه‌ای از نیروهای اخیر افتاده است.

انعکاس این دوگانگی را در وزارتخانه‌ها و ادارات می‌بینیم. از یک
طرف، تصمیمات جدی در فلان وزارتخانه بنفع محرومان جامعه گرفته
میشود. این تصمیمات حتی برخی اوقات علیه نیروهای ارتجاعی است،
که زیر پرچم "اسلام" مانع از تغییرات بنیادی هستند. از طرف دیگر، در
عین حال از شریف‌ترین عناصر، که در همین جنبه "آساده" مبارزه‌اند،
انتقام جویی میشود. بدلیل آنکه نظراتی غیر از نظرات آنها دارند و
هوادار حزب توده ایران و یا عقاید مشابه هستند.

ما این دوگانگی طبقاتی را با توجیه و "و بی‌عزم - بتو میری"
نمی‌توانیم تغییر بدهیم. این تجربه‌اندوزی تاریخی و مبارزه توده‌های
زحمتکش و نیروهای دمکراتیک جامعه است، که میتواند این وضع را بتدریج
تغییر دهد.

ما در همه زمینه‌ها، در چارچوب همگامی، که با انقلاب داریم، یعنی
در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم و برای تأمین آزادی‌های دمکراتیک و
دگرگونی‌های اجتماعی، باید با چنین پدیده‌های ارتجاعی، قهقرایی، و
انحصار طلبانه و حتی در مواردی فاتیسم‌گرایانه مقابله کنیم. نباید در
انحادها دیگر نیروها در حین این روش‌ها بکوشیم. مبارزه ضدامپریالیستی
جنبه متحد خلقی باید همچنان تمام با مبارزه با چنین پدیده‌هایی باشد.
البته در حیطه امکانات ما و در حدودی، که به جهت اصلی مبارزه ما،

های موجود در دانشگاه طیف گسترده‌
ای را تشکیل می‌دهند که، علیرغم
تعلق‌شان به بخش‌های گوناگون، در
دو صنف عمده انقلاب وضد انقلاب
مخالفین و معاندین آن قرار دارند.
تنگ کردن نظریه نیروهای هوادار
انقلاب به نیروهای متعلق به یک
اندیشه خاص، محروم کردن انقلاب از
بخش قابل توجهی از نیروهای حامی
و مدافع انقلاب است.

پ: جلب نیروی استادان و
کادر علمی دانشگاه‌ها

یکی دیگر از پیامدهای تعطیل
دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور، عاقل
ماندن بخش قابل توجهی از نیروی
هزار نفری استادان و کادر علمی
دانشگاه‌ها و مدارس عالی است. البته
مسئولین امر برای بهره‌گیری از نیروی
آنان نیز برنامه‌هایی تدوین کردند و
حتی همان ابتدا پرسش‌نامه‌هایی نیز
توزیع شد که از طریق آن می‌بایست
چگونگی همکاری و استفاده از نیروی
آنان در بخش‌های مختلف فنی، درمانی
بهیاداشتی، ترجمه و نشر کتاب و غیره
مشخص شود. ولی در این عرصه نیز،
به دلایل گوناگون، از جمله تعصب برنامه‌
ریزی، فلیه گرایش‌های لیبرالی سر
بخشی از اساتید، انحصار طلبی و تنگ-
نظری و قسری گری در استفاده از نیرو-
های دیگر،... طرح جذب نیرو با
عدم کارایی کافی روبرو شد و امکانات
فکری و تخصصی آنان درجهت بهره‌ر
وکارا به کارگرفته نشد. این امر باعث
آن شد که بخشی از اساتید و کادر علمی
بطرف لیبرالها بغلطند و نیروی که
بالتوجه می‌توانست - می‌توانستند
خدمت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
بکارگرفته شود، به نیروی ذخیره لیبرالها
علیه رشد و تعمیق انقلاب بدل گردید.

ج: جذب نیروی دیپلمه‌های بیکار

در این زمینه دست‌اندرکاران
"انقلاب فرهنگی" در محاسبه‌های
خوشی در آغاز چنین گفتند:
"دانش آموزانی که امسال فارغ-
التحصیل میشوند، حدود ۲۵۰ هزار نفر
هستند. یک سری برنامه‌های کوتاه
مدت و دراز مدت مدنظر ما هست که از
این افراد به کارگرفته خواهند شد. در
مورد دیپلمه‌های بیکار دیگر با بطور
کلی بکارهای دیگر هم که در جامعه
هستند که زمینه کار برای آنها فراهم

شود. فی‌ال‌اثر شاخه روابط دانشگاهی
و صنایع ملی و فنی که فرضا می‌رود
تولید یک کارخانه‌ای را... بالا ببرد
یا راه می‌اندازد. برادرهای ما می‌روند
فقط کارخانه را راه اندازی می‌کنند.
چون کارخانیک ظرفیت محدودی برای
پذیرش کارگر دارد. اگر امکانات باشد،
ما این برنامه را پیاده نکنیم، بی‌کار-
های جامعه هم به کار گرفته خواهند
شد. کارهایی چند واحدش را هم شروع
کردیم برای راه اندازی کارخانه‌ها.
این کارخانه‌ها که به راه می‌افتند می-
توانند دیپلمه‌های بیکار را هم جذب
کنند." (مصاحبه با دانشجویان عضو
کمیته "جذب نیرو" - اطلاعات
۱۳۵۹/۴/۱)

این سخنان، که دال بر نیت
خوب گویندگان آن است، بعدها به
دلایل مختلف نتوانست در عمل بطور
مثمر پیاده شود، چنانکه چهار ماه بعد
دانشجویان عضو "ستاد انقلاب فرهنگی"
در مصاحبه‌ای چنین گفتند:

"کمیته ارتباط صنایع البته
هنوز تشکیل نشده، ولی در آینده نزدیک
انشاء الله تشکیل می‌شود." (جمهوری
اسلامی - ۵۹/۸/۱)

به نظر ما نه سهل‌انگاری و احیانا
سستی مسئولین "جذب نیرو"، که مبهم
بودن فقدان برنامه دقیق و واقع بنانه
نبودن امکانات کافی انسانی و مادی
برای اجرای آن - و از جمله عدم استفاده
از بخشی از نیروی کارآمد در این زمینه -
هائیه دلیل معیارهای تنگ نظرانه - تنگ
کارشکی ضدانقلاب و لیبرال‌ها و
قاطعی و همکاری برخی مسئولین اجرائی
از جمله علل این عدم موفقیت است. حال
آنکه در شرایط بازگشایی مراکز آموزشی
عالی، علاوه بر آنکه بخشی از دیپلمه‌های
پشت کمر جذب این مرکز خواهند شد،
امکان بسیج نیروی قریب به ۲۵۰ هزار
نفری دانشگاهی و دانشگامی برای جذب
دیپلمه‌های بیکار ممکن تر و واقع بنانه-
تر خواهد بود.

طی مدتی که از تعطیل دانشگاه
ها و مدارس عالی می‌گذرد، به غیر از
موارد اندکی که "جهاد دانشگاهی" یا
"جهاد سازندگی" از امکانات فنی و
آزمایشگاهی این مراکز استفاده کردند و
بعضی موارد اندکی که برخی پروژه‌های
ناتمام بیکری شد و با تمام رسید (از جمله
در دانشکده پلی تکنیک) استفاده قابل
توجهی از امکانات عظیم علمی، فنی و
آزمایشگاهی دانشگاه‌ها و مدارس عالی
انجام نگرفته است. در حالی که کارگام-

مستولین "شورای انقلاب فرهنگی"
بارها و بکرکات سخنان نوید بخش زبر را
بجای داشته‌اند که:
"تقسیم برنامه‌ریزی اکثر گروه‌های
فعالیه همراه با استادهای متعهد رشتف
ها و دانشجویان باشد، ممکن است
طرف ۶ ماه بشود این برنامه‌ریزی را
انجام داد." (دکتر سروش - سخنگوی
شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۵۹/۳/۲۸)
اسلامی - (توجه کنید

که هم اکنون قریب به ۸ ماه از گفته
فوق می‌گذرد.)

و یا:
"ما با بیلیم هر چه می‌شود تعطیل
دانشگاه‌ها را کویا متز کنیم. یعنی رغبتی
به طولانی تر شدن آن نداریم... کوشش
هم بر این است که حتی المقدور مدت
توقف دانشگاه‌ها کویا متز باشد." (دکتر
سروش - سخنگوی شورای انقلاب
فرهنگی - جمهوری اسلامی،
۱۳۵۹/۴/۱۴)

یا:
"دانشگاه‌هایی توانمند مدت
زیادی تعطیل بمانند. با توجه به اینکه
در حال تعطیل دانشگاه‌ها باید تغییر
سیستم صورت گیرد، لذا باید خیلی
سریع به سازماندهی دانشگاه‌ها بپردازیم
تا زودتر دانشگاه‌های ما آغاز به کار
کنند." (دکتر باهنر - عضو شورای
انقلاب فرهنگی، صبح آزادگان
۵۹/۴/۸)

ولی، علیرغم همین گفته‌های
امیدبخش، نه تنها تاکنون چشم انداز
گشایش دانشگاه‌ها و مدارس عالی به
روشنی ترسیم نگردیده، بلکه ما با چهار-
نظریه‌های بگوش می‌رسد که بر ابهام در
این امر می‌افزاید و بر فقدان برنامه
تصریح می‌کند:

دورنمای گشایش مراکز
آموزش عالی هم چنان
نا روشن است

متأسفانه، علیرغم اهمیت باز-
کشایی سریع و مبتنی بر منابع و نیاز-
های انقلاب دانشگاه‌ها و مدارس عالی،
که بارها و بارها توسط برخی شخصیت-
های سیاسی و مذهبی - از جمله نقیه
عالیقدر آیت الله منتظری - نیز مورد
تاکید قرار گرفته، و علیرغم تشدید
سواستفاده ضدانقلاب و دشمنان
رنگارنگ انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
از "مسئله دانشگاه‌ها"، تاکنون برنامه-
مدونی از سوی مسئولین برای بازگشایی
دانشگاه‌ها ارائه نشده است.

نظماً، این ابهام در چشم-
انداز گشایش دانشگاه‌ها و بی‌برنامگی
در شرایطی که انجام هر چه سریع تر آن
برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران
اهمیتی حیاتی دارد، نمتنها به امر
دگرگونی انقلابی نظام آموزشی ظل
بقیه در صفحه ۷

### نامه سرگشاده...

بقیه از صفحه ۶  
وارد خواهد ساخت، بلکه بیامد  
های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی  
و علمی، ناگوار و مضری برای  
انقلاب و مبین انقلابی خواهد  
داشت.

### چه باید کرد؟

به نظر ما، به منظور دگرگونی  
بنیادی در نظام آموزش عالی،  
یا آنچه که تحت عنوان «انقلاب  
فرهنگی» قریب به ۸ ماه است  
که در جامعه ما مطرح گردیده،  
دولت جمهوری اسلامی ایران باید  
به اقدامات زیرین دست یازد،  
اقداماتی که دقیقاً از نیازهای  
انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی  
ایران ناشی می‌شود:

- ۱- مردمی کردن نظام آموزش عالی، از طریق گسترش شبکه نظام آموزش عالی، رایگان کردن آن و ایجاد تسهیلات لازم برای فرزندان خانواده‌های زحمتکش در امر تحصیل در دانشگاه و مدارس عالی.
- ۲- انطباق نظام آموزشی عالی با نیازهای مرحله کنونی رشد اجتماعی - اقتصادی کشور، از طریق:

- (الف) هماهنگ ساختن برنامه ریزی دانشگاهی با برنامه ریزی رشد اجتماعی اقتصادی کشور، با:
- ★ اولویت قائل شدن برای رشته‌هایی که به منظور بازسازی اقتصادی جامعه و ریشه کن ساختن علل محرومیت توده‌های زحمتکش میهنان اهمیت حیاتی دارد و توجه جدی به جنبه تمدن‌متناسب دانشگاهی این رشته‌ها.
- ★ ایجاد دوره‌های کوتاه مدت فنی، پزشکی و کشاورزی به منظور تربیت سریع کادر متخصص برای بازسازی جامعه.
- (ب) ایجاد پیوند متقابل میان کار و آموزش در عرصه‌های تولید صنعتی، کشاورزی و صنعتی کشاورزی و خدمات اجتماعی و درمانی.
- (ج) تدوین برنامه درسی مترقی و دمکراتیک و مبتنی بر نیازهای جامعه، فارغ از هرگونه تأثیر نظام آموزشی نواستعماری به منظور تربیت یک نسل متخصص و متعهد.
- (د) ایجاد ارتباط بین نهادهای انقلابی - چون جهادسازندگی، نهضت سواد آموزی و... - با دانشگاه، پنجمی که از نیروی همه دانشجویان، در جوار تحصیل، به منظور بازسازی کشور استقامت شود.
- ۳- دگرگونی کردن محیط آموزش عالی از طریق شرکت دانشجویان، اساتید و کارکنان دانشگاه و مدارس عالی بوسیله شوراهای واقعی، تضمین آزادی‌های دمکراتیک در دانشگاه، یگانه‌ای که همه دانشجویان و دانشگامیان مترقی و ضد امپریالیست از حق بیان‌اندیشه و عقیده خود و شرکت در فعالیت‌های صنفی و سیاسی بهره گیرند. ما اتحاد همه دانشجویان و دانشگامیان مترقی و تشکیل «اتحادیه سراسری دانشجویی» به منظور تأمین تشکل دانشجویان را شرط ضروری تأمین آزادیها و حقوق دانشجویان و دانشگامیان و نیز ضمانت دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در قبال فعالیت‌های خرابکارانه ضدانقلابی است و چپ‌ها می‌دانیم.

به نظر ما برای تحقق هدفهای

### ایچه قصاص...

بقیه از صفحه ۱  
اختیار دارد.  
روزگاری جامعه اولیه هر

جرمی را با قصاص و انتقام‌پاسخ می‌گفت، تا با ایجاد رعب و هراس، مانع از گسترش بزهکاری شود. این شیوه ابتدائی مقابله با جرم و جنایت، یا برای تحولات اقتصادی و اجتماعی، جای خود را به بررسی علل بزهکاری و مبارزه با این علل داد. جوامع پیشرفته به این نتیجه منطقی رسیدند که قتل از آنکه فکر قصاص و انتقام‌جویی باید امنیت اقتصادی، اجتماعی و قضائی برای افراد جامعه تأمین کرد، باید فرهنگ و آموزش جامعه را متحول ساخت. بود در این شرایط نوین، اگر فردی مرتکب بزه علیه دیگری شد، به بررسی علل اقتصادی - اجتماعی جرم و کشف ریشه‌های اخلاقی و روانی جرم پرداخت و سپس، از طریق دادگاههای صالح، به تجدید تربیت مجرم همت گماشت.

جامعه بشری، در مسیر دگرگونی‌های بنیادی خود، باین نتیجه منطقی رسید که قوانین جزا و سیستم مجازات را از این دگرگون سازی، تا کیفی جرم و جنبه انتقام‌جویی نداشته باشد. بلکه به تربیت مجرم و هدایت و ارشاد او کمک کند. این اصل منطقی در مورد بسیاری از جرائم خصوصی، مبنی بر تکلیف جرم‌نهیست. به فرد پذیرفته شد و آنجا که مسئله جنایت نسبت به کل جامعه مطرح است، مانند توطئه و کودتا علیه یک نظام خلقی، شکنجه و اذیت‌های بی‌درمان توسط یکنهاد ضدانقلابی، بی‌ارزشی نافرمانی، جنگ توسط یک گروه سلطه‌گر، که کشور، مردمی و دنیای را به خاک و خون میکشد، پادشاه‌مرگ یا جسیسی سنگین برای این چنینانکاران، همچنان بدترین کیفی شناخته شده است.

دین اسلام، که دین برابری انسانها و دفاع از حقوق مستضعفان جامعه است، هرگز ستویبیتی را نمی‌پذیرد، هرگز اجازه نمیدهد که زن بمشاور یک مسجود جستجو شود. تربیتی قرار گیرد و شوری قانیتستی قون برای بیگانگان و آشپزخانه و کلیسه در جامعه انقلابی ما تحقق یزدرد. اسلام که تاکید میکند فرزندان خود را برای دوران خودتربیت کند و بدینسان به شرایط زمان و مکان توجه کافی دارد. هرگز اجازه نمیدهد که قوانین و سنتی را احیا کند که اگر در جوامع ابتدائی بشری مفید و کارساز بوده‌اند، برای امروز مضربند و اجرای آن قوانین و آن سنن چهرمای از جمهوری جوان ما در جهان ترسیم‌خواهند کرد. که فقط بسود دشمنان انقلاب، یعنی امپریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش خواهد بود.

این یادآوری ضروری است که از نخستین روزهای بیروزی، امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش خواهد بود. این یادآوری ضروری است که از نخستین روزهای بیروزی، امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش خواهد بود.

این یادآوری ضروری است که از نخستین روزهای بیروزی، امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش خواهد بود. این یادآوری ضروری است که از نخستین روزهای بیروزی، امپریالیسم و ارتجاع جهانی به سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب پرورده‌اش خواهد بود.

### دشمن واقعی، آمریکای...

بقیه از صفحه ۱

بر سر کار آمده آمریکا برای رسیدن به همان استراتژی خوش که باید دولت میانه‌روی بر سر کار بیاید که ناسیونالیستهای مخالف روحانیت در آن دولت حداکثر را داشته باشند. یا دیدن زمینه‌های مناسبی طریقه نفوذ در دولت موقت را در خط‌مشی و سراسر خود قرار داد و امیرانتظامها و سایرین را در دولت موقت کادو، اسناد لانه جاسوسی، این حرکت انقلابی بزرگی که پشت آمریکا را شکست همه حاکمی از همین مسئله است. وی افزود: جاسوس سفارتخانه آمریکا، امیرانتظام می‌گوید که هادی کردن روابط ایران و آمریکا باید به آهستگی پیش برود تا سوء ظن کسانی را که نظر خوبی نسبت به آمریکا ندارند برنیزنگیزد و حسا منظور این بود که اگر برلنگیزد، به کار ما دخالت می‌کنند و نمی‌گذارند که ما با برزیسکی ملاقات کنیم. آری این چنین است مثنی که خون دادمو شیکه داده، چگونه می‌تواند به افرادی که چنین می‌توانند زمینه‌ساز حکومت آمریکا باشند، بعد از ۱۴ قرن تلاش، زحمت شکنجه، اسارت، بعد از ۱۴ قرن انتظار، الان ملت ما اجازه بدهد به اینکه زمینه‌های آمدن يك حكومت و يك دولت وسیله الهامی کمنافع آمریکا را: تضمین کند (فراهم شود) ملت ما قطعاً چنین اجازهای به این افراد نخواهد داد. وی سپس با اشاره به درخواست کمک بی‌عاری، رئیس‌شاخه نظامی کودتا از آمریکا، برای انجام کودتا در همان دوران دولت موقت گفت: « (آمریکا) به او می‌گوید که ما از اینکه بیروی سازمانی دست کسی برای آینده، جلوی را نمی‌گیریم، اما فلاسیست ما اینست که می‌خواهیم روابطمان را عادی بکنیم یا دولت موقت عضو شورای فرماندهی سپاه پاسداران، سپس به ادامه توطئه امپریالیسم چاینتکار آمریکا در دو جهت مسلحانقلاب و نیز حمله موجه نظامی به جمهوری اسلامی ایران، اشاره کرد و توطئه بروی کار آوردن يك دولت میانه‌رو دزایران بر پایه دامن‌زدن به تشنجیات و ناآرامی‌ها را اقتضای کرد.

وی آنکه به جنگ تحمیلی عراق به ایران که ادامه همان توطئه‌های امپریالیست اشاره کرد و تاکید کرد: «امروز مسئله ما، مسئله جنگ است. امروز مسئله ما امپریالیست و این است که باید با تمام قدرت در میدان باشیم. وی سپس به فروش اسلحه آلان با رژیم ارتجاعی عربستان و آغاز مانور نظامی کشورهای مرتجع منطقه به آمریکا چاینتکار اشاره کرد و از جمله تاکید کرد که شمار اصلی شام، جنگ با آمریکا است.

سپس حجت‌الاسلام خاتمی امام‌جمعه تهران به ایراد خطبه‌های نماز پرداخت و ضمن هشدار در مورد فعالیت اخلاک‌گراانه افرادی که اجتماع روز پنجشنبه را به دگرگونی کشاننده، از مردم خواست که در اتیای خطبه‌ها سکوت کنند. وی افزود: در پایان مراسم هر شمار تفرقه‌انگیزی بسود آمریکا است و هر فریادی که مردم را به هیجان‌آورد و دشمنی آنها را بجای آمریکا و عناصر مزدورشان به داخل ملت متوجه کند، فریاد شیطان است. امام جمعه تهران در مورد شمارها گفت: «چیز شعله‌ور و بی‌خبر شمار قدرت از آمریکای غدار و هر چه در این مضمون باشد، نباید داده شود».

حجت‌الاسلام خاتمی در خطبه اول نماز، ضمن هشدار درباره فعالیت عمال ضدانقلاب برای جلوگیری از روند بازسازی و سازندگی کشور، گفت: هر کسی که مردم را برای برطرف کردن ناسامانیا به اغصاب دعوت کند، به این مردم و به این انقلاب خیانت کرده‌است. امام جمعه تهران تاکید کرد که: «اسلام می‌گوید فریادها، بیان راعلیه آمریکای جبار بکنید».

### گفتگوهای...

بقیه از صفحه ۱

سلاح سخن گفته است. بگفته وی، سفیر ایالات متحده آمریکا در پاکستان، آرتور هامل، نیز برای شرکت در این مذاکرات به واشنگتن فراخوانده شده‌است. یکی از مقامات عالی‌رتبه وزارت خارجه آمریکا خاطر نشان ساخت که: «ما به بررسی دقیق و فوری سیاست خود در برابر پاکستان مشغولیم».

حجت‌الاسلام خاتمی در خطبه دوم ضمن اشاره به دگرگونی‌های روز پنجشنبه از جمله تذکر داد در شمارها، دشمن واقعی فراموش نشود، دشمن واقعی آمریکای چاینتکار است، همه این بساطها زیر سر او است. همه این تفرقه‌انگیزی‌ها بازی شیطان است. امام جمعه تهران سپس با اشاره به فداکاریها و جانفشانیهای رزمندگان انقلاب در کمیته‌ها و سپاه پاسداران برای تکیه‌گذاری انقلاب و دستاوردهای آن گفت: «شوم و تنگ بر آن عناصری باد که زحمت بی‌بندید پاسداران کمیته در این هو سال و مخصوصاً در روزهای پدم از انقلاب را فراموش می‌کنند».

در مراسم نماز جمعه دیرروز، انبوه عظیم نمازگزاران برای چندمین بار ضرورت ادامه مبارزه قاطع با آمریکای چاینتکار و عوامل داخلی و خارجی را در شمارهای هم‌گ بر آمریکا، مرگ بر ریگان، فریاد کردند و پیمان بستند که همچون گذشته در میدان‌نبرد با دشمن اصلی انقلاب حضور فعال داشته باشند.

حجت‌الاسلام خاتمی در خطبه اول نماز، ضمن هشدار درباره فعالیت عمال ضدانقلاب برای جلوگیری از روند بازسازی و سازندگی کشور، گفت: هر کسی که مردم را برای برطرف کردن ناسامانیا به اغصاب دعوت کند، به این مردم و به این انقلاب خیانت کرده‌است. امام جمعه تهران تاکید کرد که: «اسلام می‌گوید فریادها، بیان راعلیه آمریکای جبار بکنید».

به نظر ما برای تحقق هدفهای

خواست‌های فوق‌هدفهای مشترکان  
در امر تغییر بنیادی نظام آموزش عالی، اعلام می‌داریم.  
سازمان جوانان توده ایران  
۱۳۵۹/۱۲/۱۰

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در لنگرود:

ضد انقلاب بنام سپاه پاسداران توطئه می کند

ما از مقامات مسئول میخواهیم که هرچه زودتر ضدانقلابیونی را که یا پوشیدن لباس پاسداران به فعالیتهای تخریبی میپردازند، دستگیر و خلع سلاح کنند و تحت تعقیب و مجازات قرار دهند.

سپاهین درصددند که هسریک از نهادهای اسلامی را لنگه‌دار بکنند. مستهای خاتین درکار است. اگر در این نهاد يك کارهائی برخلاف موازین انجام بگیرد، فرصتست بدخواهان می‌افتد و در بوق و کرنا این مطلب را بزرگ می‌کنند...

امریالیسم جنایتکار آمریکا، در ادامه توطئه‌های خود علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و طرح سبایس گوناگون، سرانجام مبین انقلابی ما را با تهاجم صدام تکریتی مواجه کرد. اما مقاومت و جانبازی مردم قهرمان، سرایان، سپاهیان پاسدار و گروههای پیچ مردمی این بارهم توانست این نقشه امریالیسم جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، را با شکست روبرو کند.

اما ضدانقلاب با استفاده از این جنگ تحمیلی درصدد برهم زدن امنیت ماست. ایجاد و دامن زدن به درگیریها و تنشجات سیاسی، راهزنی، دزدی، حمله در معابر عمومی به مردم و... به منظور بهره برداری سیاسی انجام می‌گیرد و هدفی غیر از آماده کردن زمینه برای زدن ضربه نهائی ندارد. آخرین نمونه فعالیت ضدانقلاب در سطح شهرها و خیابانها را میتوان مسورت ضدانقلابیونی دید که با سوءاستفاده از لباس پاسداران و یا چمبل کارت ارگانهای انقلاب، به خرابکاری مشغولند.

اخیرا روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، اطلاعیه‌ای در سطح شهر پخش کرده است. در این اطلاعیه،

بزرگ، کلانزمینداران، لیبرالها، مائوئیستهای تازه مسلمان شده و ساواکیها، برپا شده است و یازده کردن تصاویر رهبر انقلاب در جلوی چشمان خیرت زده مردم. این اقدامات تخریبی و غیرقانونی، که شدیداً انزجار مردم قهرمان لنگرود را برانگیخته است، ظاهراً در لباس دفاع از انقلاب صورت میگیرد، اما در واقع هدف از آن سزیه زدن به نیروهای طرفدار خط امام خمینی و ازجمله سپاه پاسداران انقلاب است.

خوشبختانه هشیاری و افشاکاری بموقع سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، محنت آنها را برای مردم مبارزشیر بازگرد و نشان داد که سپاهیان پاسدار با این اعمال ضدانقلابی مخالف هستند و عاملان آن را توطئه گر علیه انقلاب ارزیابی می‌کنند.

حزب توده ایران - سازمان شهرستان لنگرود، پشتیبانی خود را از اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی لنگرود، که پوشش دزدین اسلامی این افراد را پس زده و چهره واقعی آنها را روشن کرده، اعلام می‌کند. ما از مقامات مسئول، پیوسته

حجت الاسلام قاضی، نماینده امام، میخواهیم که با هشیاری و قاطعیت مواضع صحیح سپاه پاسداران را در نماز جمعه تقویت کنند و با افضای ضدانقلابیونی که در لباس سپاه پاسداران توطئه می‌کنند، نسبت به خلع سلاح و تعقیب و مجازات آنها اقدام فوری کنند. این اقدام سبب خواهد شد، تا توطئه وسیعی که علیه سپاه پاسداران در دست انجام است خنثی شود. زنده باد انقلاب ضدامریالیستی و مردمی ایران برهبری امام خمینی! مرگ برامریالیسم آمریکا، دشمن اصلی ما!

دویست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی ۳۵ زن، ۳۲ کارگر، ۱۴ کشاورز به عضویت کمیته مرکزی انتخاب شدند

مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، که عالیترین ارگان رهبری کشور است، برگزیده شدند که ۳۲ تن بیش از کنگره پیشین است. از این تعداد ۳۵ تن زن هستند. ۳۲ تن از اعضای کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی انتخاب شد.

با پایان گرفتن کار کنگره ۲۶ حزب کمونیست اتحاد شوروی، انتخاب اعضای کمیته مرکزی جدید حزب کمونیست اتحاد شوروی برای ۴ سال آینده نیز پایان رسید. در این انتخابات، ۳۱۹ تن به عضویت کمیته

داریه از صنعة ۱

در عملیات نیروی...

با هدف آتش توپخانه و سلاح های سنگین خود قرار دادند که در نتیجه ۶ نفر از برادران آبابانی شهید و ۲۸ تن مجروح شدند. در جبهه های هواز و سوسنگرد رزمندگان نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اجرای آتش شدید توپخانه و خمپاره انداز بر روی مواضع نیروهای ارتش متجاوز عراق موفق شدند که سه تانک، دو خودرو، یک تانکر سوخت، یک لودر و حدود ۱۸ سترگ اجتماعی و انفرادی دشمن را منهدم و بیش از ۵۰ نفر از نیروهای آنها را به هلاکت رسانده و یا مجروح کنند.

همچنین هوایماهای متجاوز ارتش عراق که قصد حمله به آبادان را داشتند بر اثر آتش پدافند هوایی مجبور به فرار شدند. در بامداد دیروز (پنجشنبه) جانبازان نیروی دریائی ارتش

تقویم سال نو ۱۳۶۰ منتشر شد

رویدادهای جهانی تمرین معاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز در آمریکا

روزنامه واشنگتن ستاره خبر میدهد که مقدمات این تمرینات توسط فرماندهی آمادگی جنگی تدارک دیده شده بود، که مسئول حمل ۳۲۵ هزار نظامی آمریکائی به خاور نزدیک در صورت بروز بحران در این منطقه است. در جریان عملیات یادشده، تمرینات مربوط به محاصره کامل نظامی ایران و تسخیر تنگه هرمز نیز به اجرا درآمد.

شوخی نیست...!

فریدون تنکابنی

همزبانی!

پیش از انقلاب:

- ملت: مرگ بر آمریکا و انگلیس!
لریکا و انگلیس: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر کودتاچیان ۲۸ مرداد!
کودتاچی: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر شاه!
شاه: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر ساواکی!
ساواکی: مرگ بر توده‌ای!
پس از انقلاب:
ملت: مرگ بر آمریکا!
امریکا: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر کازرت!
کازرت: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر ریگان!
ریگان: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر اسرائیل!
اسرائیل: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر صدام!
صدام: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر یختیار!
یختیار: مرگ بر توده‌ای!
ملت: مرگ بر اویسی!
اویسی: مرگ بر توده‌ای!
خلق کرد: مرگ بر قاسملو!
قاسملو: مرگ بر توده‌ای!
کارگر: مرگ بر سرمایه‌دار!
سرمایه‌دار: مرگ بر توده‌ای!
دهقان: مرگ بر فئودال!
فئودال: مرگ بر توده‌ای!
خریدار: مرگ بر محتکر!
محتکر: مرگ بر توده‌ای!
مستشف: مرگ بر مستکر!
مستکبر: مرگ بر توده‌ای!
در میتینگ پیروان خط پرژیتسکی

- حزب‌اللهیها: مرگ بر لیرال!
ساواکیها: مرگ بر توده‌ای!
حزب‌اللهیها: مرگ بر آمریکا!
رنجیریها و لیرالها: مرگ بر توده‌ای!
فدائیان اسلام: اسلام پیروز است!
لیرالها: مرگ بر توده‌ای!
حزب‌اللهیها: لیرال، توده‌ای، چماقدار پیوندتان مبارک!
لیرالها، ساواکیها، رنجیریها: چماقدار، توده‌ای پیوندتان مبارک!

نتیجه:

- یت ۱: وفا کنیم و ملامت کنیم و خوش باشیم که در طریقت ما کسافری است رنجیدن!
یت ۲: کس بندی گهت حسودی و رفیقتی رنجید کو تو خوش باش که ما گوش به‌احق نکنیم!
یت ۳: در بیابان گر به شوق کبه خواهی زد قدم سرزنش‌ها گر کند خار مغیالان، غم مخور!

سازمان ملل متحد علیه رژیم نژاد پرست آفریقای جنوبی

اکثر اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد ضرورت وضع مجازاتهای جامع علیه آفریقای جنوبی را میتوان موثرترین وسیله ایراد فشار بر این رژیم جنایتکار، به منظور قطع اشغال نامی یا ازسوی متحدمنظور شده، پشتیبانی کردند.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بیزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست
NAMEH MARDOM No. 461 7 March 1981
Price: West-Germany 0.80 DM, France 2 Fr., Austria 8 Sch., England 20 P., Belgium 10 Fr., Italy 350 L., U.S.A. 40 Cts, Sweden 1.50 Skr.
خوانندگان گرامی نامه مردم و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر یا نامه مردم مکاتبه کنند: صندوق پستی ۱۴ پستی تهران ۱۳۵۹۱/۴۱ منطقه